



خلاصه گزارش محیط زیست افغانستان 2008





این گزارش به همکاری تخصصی پروگرام محیط زیست ملل متحد، و
کمک مالی کمیسون اروپایی و حکومت فنلاند تهیه گردید.

978-82-7701-049-6 :ISBN

© اداره ملی حفاظت محیط زیستی جمهوری اسلامی افغانستان
© پروگرام محیط زیست ملل متحد

اشکال و توضیحات بکار رفته در این گزارش، بیانگر نظر NEPA یا UNEP در
مورد حیثیت حقوقی، کشور، شهر یا ساله در قلمرو حاکمیت و یا تعیین مرز و حدود
آن، نمی باشد.



خلاصه گزارش محیط زیست افغانستان 2008

محتویات	
وضعیت محیط زیست - چالش های کلیدی و فرصت ها	4
محیط زیست در معرض خطر نابودی - ما از آن چه میدانیم	4
جغرافیه، اقتصاد و جمعیت	7
اداره/کنترول محیط زیستی - آینده	9
منابع آب	10
چراگاه ها، جنگلات و تنوع بیولوژیکی	15
استفاده از زمین، زراعت و خاک	18
محیط زیست شهری	22
آفات طبیعی و تغییر اقلیم	25
منابع انرژی و معنی	26
خاتمه	28

کابل بی زر باشد و بی برف نه

ضرب المثل افغانی

وضعیت محیط زیست - چالش های کلیدی و فرصت ها

تأثیرات عده عبارت اند از، تخریب و استفاده مفرط منابع مهم (جنگل‌ات، تنوع بیولوژیکی، آب) که شرایط بی ثبات اجتماعی-اقتصادی و اثرات پرخطر طبیعی را بدتر می‌سازد؛ دسترسی اندک به منابع طبیعی، عدم حاکمیت قانون؛ از هم پاشی سیاستهای اداری عنعنی و روندها؛ آلودگی ناشی از مواد سوخت زهری راکت، نفت ریخته و ماین های زمینی که زمین و چراگاه های حیاتی را برای استفاده غیر محفوظ می‌سازد.

امروز تقریباً 80٪ از جمعیت کشور (19 میلیون)، در ساحت روسایی زندگی می‌کنند. این بخش جمعیت، شدیداً بالای منابع طبیعی حاصلخیز اتکاء دارند که در مقابل تأثیرات پدیده های محلی و جهانی (مانند خشکسالی، حوادث طبیعی، تغییر اقلیم و گسترش دامنه صحرای) و تخریب منابع طبیعی ناشی از فرسایش و آلودگی هوا و آب، بشدت آسیب پذیر می‌باشد. هجوم مهاجرین عودت کننده، رشد سریع جمعیت، و ظهور حید مهاجرین محیط‌زیستی و بیجادشگان داخلی - از اثر خشکسالی ها، حوادث طبیعی، تغییر اقلیم و گسترش دامنه صحرای، میتواند فشار اضافی را بالای منابع طبیعی وارد نمایند.

مراکز شهری سریعاً رو به افزایش افغانستان مقدار فزاینده اجنس زراعی و انرژی را مصرف می‌کنند. از اثر افزایش مفرط جمعیت در بیشتر مراکز شهری و تمرکز زیاد منابع آلودگی مانند وسایط تیز رو و صنایع، و نیز از آلودگی شدید هوا، تنظیم ناقص جمع آوری و تخلیه زباله ها، نبود بهداشت (تخلیه فاضلاب) و دسترسی به آب پاک آشامیدنی، باشندگان شهر رنج می‌برند. فضای سبز و گشاده نیز وجود ندارد.

اگر همچو پروژه ها مطابق یک چارچوب شایسته معاصر، طرح و تطبیق گردد، همزمان با بهبودی ثبات و شرایط سرمایه

مانده است. ازین رو، افغانستان، یک سرزمین دارای بسی اثار با اهمیت بزرگ فرهنگی می‌باشد. این کشور همچنان جایگاه اصلی بیشتر حاصلات کشاورزی (اقسام غله، نسل های گوسفندها و بزها، تولیدات جنگل)، معدنیات (طلا، مس، سنگ های نیمه قیمتی)، و سایر منابع طبیعی می‌باشد. از ایام قدیم به این سو، منابع طبیعی افغانستان، بشمول زمین، آب، معدنیات، جنگل‌ات، در خدمت امپراتوری های بزرگ و کوچک بوده اند که بالای شکل و چگونگی وضعیت کشور اثر واضح داشته اند.

تنظيم وسائل معيشت در زمین های خشک کوهی افغانستان همچگاه سهل نه بوده است. تأثیرات جنگ های بیش از سه دهه، همراه با خشکسالی های متمدی و تنظیم ناقص منابع مهم، آنرا خیلی مشکل ساخته و باعث بروز مشکلات گسترده بشری و ویرانی تقریباً همه منابع طبیعی در سراسر کشور گردیده است. مانند بیشتر کشورهای دیگر جهان، تخریب محیط زیستی مردم ضعیف و بی چاره را بیشتر متضرر می‌سازد. این موضوع با صحت و رفاه بشری، و متعاقباً با انکشاف اقتصادی، مستقیماً ربط دارد. عدم تساوی اجتماعی و استفاده غیر مؤثر، دوران تخریب و آلودگی منابع را دوامدار می‌سازد. این کار در افزایش فقر و تخریب وسائل معيشت، که از ابتداء متزلزل بودند، کمک مینماید. زمانیکه در پیشروست، برای شامل ساختن تنظیم محیط زیستی در استراتئی های اجتماعی و اقتصادی کشور، یک فرصت حیاتی را فراهم می‌کند، بناءً، آرامش، رشد و موفقیت های بیشتر طویل المدت را میتوان تأمین کرد.

میراث جنگ که افغانستان و مردم آن را در جریان 30 سال گذشته، با آلام و مصائب مواجه ساخته، نه تنها جامعه و نهاد های کشور، بلکه محیط زیست آنرا نیز خساره مند ساخته است.

این گزارش، خلاصه کوتاهی از مسایل کلیدی محیط زیستی، عوامل و محركات تغییر محیط زیستی در افغانستان را فراهم نموده و دست آوردهای اخیر و دور نما های آینده را نمایان می‌سازد. این گزارش منحیت یک خلاصه کثیرالوجه اولین گزارش وضعیت محیط زیستی برای افغانستان ارائه می‌گردد که از طرف اداره ملی حفاظت محیط زیست (NEPA) مطابق ماده (12) 9 قانون محیط زیست، 2007 - تهیه و در وسط 2008، به همکاری پروگرام محیط زیست ملل متحد (UNEP) به نشر خواهد رسید. این گزارش برای خوانندگان ملی (مامورین دولت، سران جوامع و پالسی سازان منابع طبیعی در سطح مرکزی و محلی) و جامعه وسیع بین المللی : تمویل کننده گان و سازمان های بین المللی، پالسی سازان در کشورهای همسایه، مردم و نهادهای ذیعلاقه به افغانستان، مرتب گردیده است. این گزارش بهترین معلومات موجود را به شکل منسجم فراهم نموده و خلا های معلومات (دادا) را پیرامون وضعیت محیط زیست مشخص می‌سازد.

هر فصل این گزارش، یک خلاصه اجمالی متن، اهمیت و استعمال منابع طبیعی، آنچه درباره حالات کنونی آن معلوم گردیده، تمايلات و پيوندها با عوامل منطقی و جهانی، را ارائه می‌کند. همچنان، این گزارش در مورد اینکه اگر منابع طبیعی افغانستان به یک روش مؤثر و پایدار تنظیم گردد، چطور میتواند برای انکشاف اقتصادی و ثبات آینده بنیادی را فراهم نماید، بحث می‌کند.

محیط زیست در خطر نابودی- ما چه میدانیم؟

سرزمین افغانستان برای هزارها سال محل سکونت بوده و منحیت یک مرکز مهم ارتباطی و اختلاط فرهنگ ها باقی



محیط زیست و فقر
از صفیه سیفی، هما جمشید، نیلاب حبیبی

از «محیط زیست کابل در تصاویر»
اولین نمایشگاه عکس از محیط زیست افغانستان، دسمبر 2006



Topography

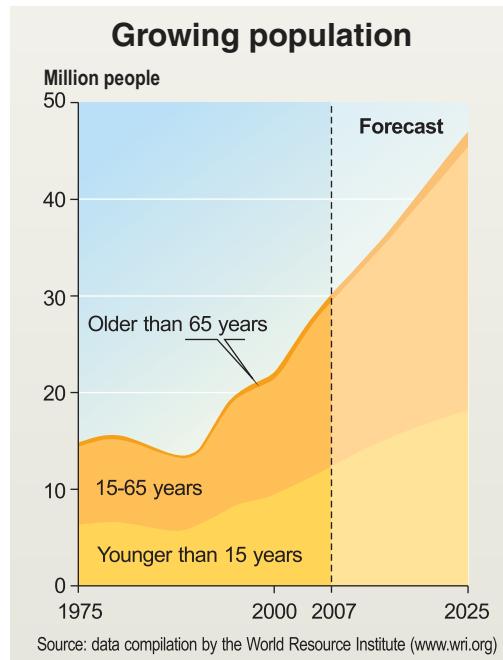


گزاری، منابع غنی معدنی افغانستان (گاز، زغال، مس، طلا، فلزات نایاب)، که در حال حاضر مورد بهره برداری قرار ندارند، میتواند محراق توجه سرمایه گذاری عده و انکشاف قرار گیرد. اما، این کار میتواند تاثیرات منفی محیط زیستی و اجتماعی را بیان آورد روی هم رفته، استفاده پایدار و دسترسی به منابع طبیعی هنوز عوامل کلیدی برای حصول و حفظ ثبات اجتماعی و انکشاف پایدار در افغانستان میباشد. پیرامون وضعیت محیط زیست، به داشت شدیداً نیاز است: مقدار آب موجود و استفاده شده در افغانستان و آب مشترک با کشور های همسایه؛ انواع بیولوژیکی موجود و استفاده احتمالی آنها در طب، زراعت، تفریح و توریزم؛ تناسب زمین های که ضرورت به آبیاری دارند یا منحیث چراگاه استفاده شده میتواند.

یک تحلیل معلومات معیاری/ اساسی، که وضعیت محیط زیستی قبل از جنگ 30-50 سال را منعکس می نماید، و ارزیابی محیط زیستی بعد از جنگ که توسط پروگرام محیط زیست ملل متحد (UNEP) انجام شده، و آخرین داتای جمع آوری شده که برای استراتئی ملی انکشاف افغانستان (ANDS) (2008، 2008) مرتب گردیده، نشاندهنده مسائل محیط زیستی دارای اولویت ذیل است که ایجاب توجه بیشتر پالیسی و فعالیت را مینماید:

- منابع آب
- چراگاه ها، جنگل ها و تنوع بیولوژیکی
- استفاده از زمین، زراعت و خاکها
- محیط زیست شهری
- آفات طبیعی و تغییر اقلیم

با داشتن معلومات اندک، بدست آوردن تصویر واضحی از وضعیت کنونی افغانستان، مشکل است. فقدان مشاهدات سیستماتیک دریا ها، جنگل ها، حیات وحش، اقلیم و اوضاع جوی در 5، 10 حتی 30 سال گذشته، مانع مقایسه با حالات کنونی میگردد. در مورد منابع آبود که محیط زیستی، وسعت و انتقال آن و نیز ارتباط آن با صحت عامه و امراض، معلومات مبهم وجود دارد. در مورد اندازه فرسایش و تلوث/ آلودگی زمین و همچنان پیامد های اقتصادی آن، معلومات بسیار اندک موجود است. بدون معلومات/ دینا کافی، مشکل است که در مورد سیلاب های عده، خشکسالی ها و سایر خطرات طبیعی پیش بینی نمود. ارزیابی کمیت و کیفیت آب سطح و زیر زمین



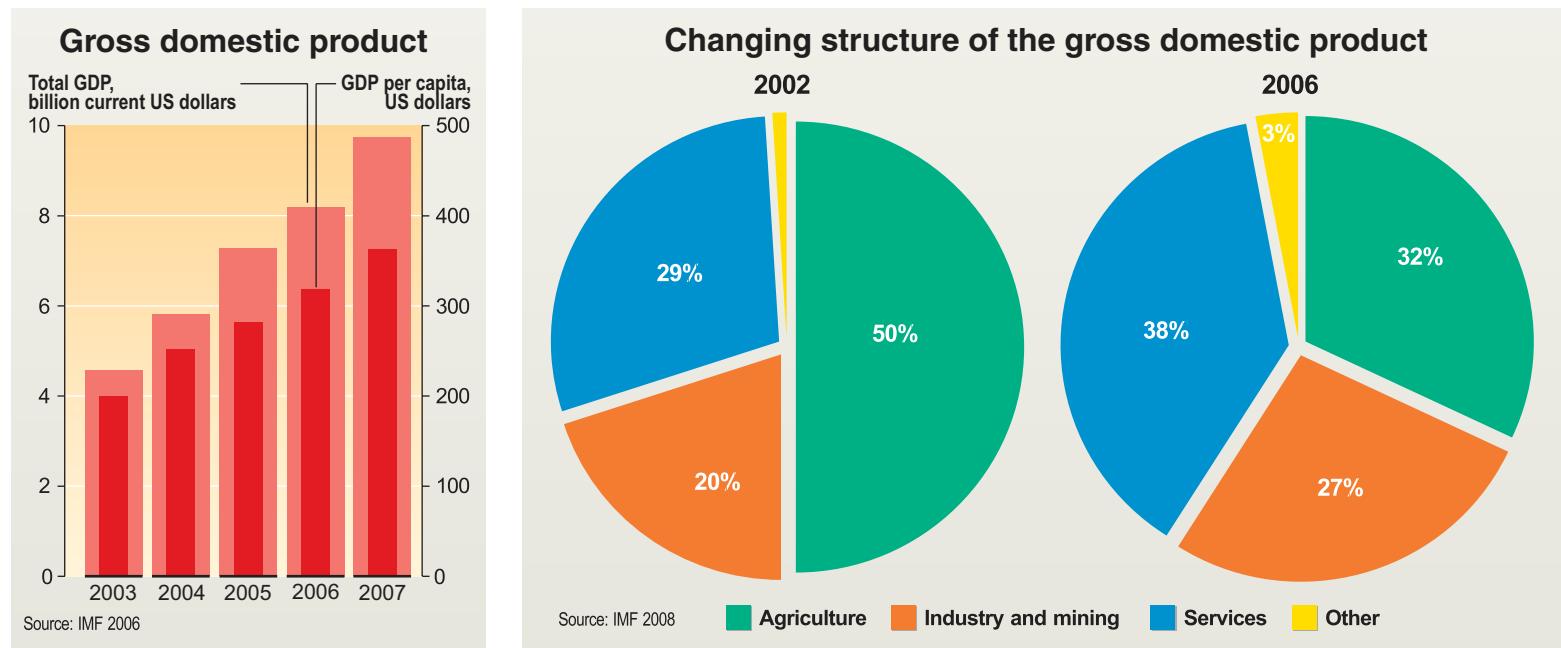
منفاوت اند و در مجموع قدیمی/کهنه میباشد. ضرورت جمع آوری و تبادله معلومات/ دینا، همچنان یک اولویت عده برای تنظیم مؤثر محیط زیستی میباشد.

با دانش و درک بهتر از شرایط محیط زیستی، و پلانگذاری دقیق و تطبیق مورد نظر، ممکن خواهد بود که بر مشکلات کنونی اجتماعی- اقتصادی و محیط زیستی، فایق آمده و برای یک افغانستان مرتفع و آرام تهداب گذاری نمایم.

قرار دادن کشور در راه انکشاف پایدار، یک چالش بزرگ خواهد بود. سیستم های عنعنوی تنظیم منابع طبیعی و استراتئی های موجود برای پذیرش و کاهش، به اثر جنگ های گذشته و جاری، فشار جمعیت، از بین رفتن اقتصاد روسایی، کنترول خود سرانه توسط گروپ های محلی و عدم مؤثریت قانون و نظم، صدمه دیده اند. جهت آغاز برنامه های انکشاف پایدار، به یک شیوه مروح محلی منابع طبیعی نیاز است. در غیر آن، گرایش کنونی تخریب محیط زیستی ممکن است کشور را عمیقاً به فقر کشانده و به کمک های بین المللی متکی سازد، و مردم افغانستان را بیشتر در پرتگاه بی ثباتی بشری، کشمکش های اجتماعی و بدبوختی سقوط دهد.

جغرافیه، اقتصاد و جمعیت

افغانستان یک کشور نیمه خشک محاط به خشکی در مرکز آسیا است که ساحه تقریباً 652.000 کیلومتر مربع را احتوا میکند. این کشور 1300 کیلومتر از جنوب غرب الی شمال شرق، و تقریباً 600 کیلومتر از شمال غرب الی جنوب شرق امتداد یافته است. اقلیم این کشور قاره بی میباشد، با تفاوت بزرگ در درجه حرارت روز و شب، از یک فصل به فصل دیگر و از منطقه ای تا منطقه دیگر، بین 20-45 درجه سانتی گرید در تا بستان در زمین های پست، و الی منفی 20-40 درجه سانتی گرید در زمستان در ساحتات کوهستانی می باشد. خشکسالی های شدید و متداول، مانند خشکسالی سالهای 1999-2001، تاثیرات زیاد بالای محیط زیست و جامعه داشته است. در فصل بهار، ژاله های بی وقت، زراعت (اکنرا حاصلات میوه) را متضرر میسازد درحالیکه بلند رفتن درجه حرارت موجب سرازیر شدن سیلاب ها و افزایش آسیب پذیری محصولات در برابر حوادث طبیعی میگردد.



(منحیث یک قعالیت غیر قانونی، در محاسبات اقتصادی ثبت نمیشود، ولی بالای عواید و قدرت خربداری تأثیر عده دارد). در داخل کشور فابریکه های بزرگ وجود ندارند اما تعداد زیاد کارخانجات متوسط و کوچک موجود اند. بخصوص تعداد دکان های کوچک رو به افزایش است.

در جریان جنگ و زمان خشک سالی شدید (1990–2005) تقریباً 5 میلیون افغان به دلیل بی امنیتی و وسایل معیشت محدود، کشور را ترک گفتند. 5 میلیون دیگر در داخل کشور بیجا شدند. اکثریت مهاجرین (3 میلیون) شان مجبور به سکونت در پاکستان و (1.5) میلیون در ایران شدند. بعد از تاسیس حکومت انتقالی و اعاده ثبات نسبی، این مهاجرین به عودت آغاز نمودند. اکنون بیشتر از 3 میلیون مهاجر افغان بازگشت نموده اند اما در سال 2007 یک تعداد قابل ملاحظه هنوز هم در کشو های میزبان (2 میلیون) در پاکستان و (900.000) در ایران بودند.

جنوب پاکستان ، و در غرب ایران می باشد. ارتباط با آنها و جوامع وسیعتر جهانی در مجموع، استفاده کنونی و آینده منابع طبیعی ملی و فرامرزی، و نیز مؤثریت پاسخ گویی به چالش ها و خطرات مشترک محیط زیستی را ، تعیین می نماید.

وضعیت اقتصادی افغانستان، بعد از سقوط طالبان در سال 2001، بهبود یافته است. عاید غیر خالص سرانه (GDP) به اندازه ۱۱٪ از سال ۲۰۰۲ به اینسو رشد نموده است، اگر چه در سال ۲۰۰۶-۷ رشد واقعی اقتصاد از ۷.۵ فیصد پایینتر نشان داده شده، با آنهم در منطقه بلند بود. رشد بیشتر به سبب تلاش های اعمار مجدد با پشتیبانی همکاری انشکافی و بهبود مجدد در سکتور زراعت می باشد. زراعت (۳۶٪) و خدمات (۳۸٪) دو بخش عمده در عاید ناخالص سرانه (GDP) افغانستان میباشد. مطابق صندوق وجهی بین المللی (IMF)، سکتور تریاک ۴۰-۵۰٪ از عاید ناخالص سرانه را تشکیل

اوسط مجموعی ریزش باران سالانه 250 ملی متر بین قسمت های مختلف کشور تقاضت دارد، از 1200 ملی متر در ارتفاعات بلندتر شمال شرقی گرفته تا فقط 60 ملی متر در جنوب غرب می باشد. تغییر سالانه از سطح نسبتا کم در کوه های هندوکش (900-1200) ملی متر الی سطح بلند (1400-1800) ملی متر در دشت های خشک و سوزان شمال و جنوب، متفاوت میباشد. به دلیل بر جستگی کوهستانی و همگرایی سیستم های متعدد اقلیمی، افغانستان با داشتن تنوع جذاب ایکوسیستم ها، پوشش زمینی، و منابع آب، به خود میباشد. خصوصیات جغرافیایی و توزیع منابع طبیعی کشور در تخصیص فعالیت های اقتصادی: کشت غله جات، چرش موادی، محصولات جنگلی و معدنیات، معنکس گردیده است.

افغانستان دارای همسایه های کثیر، در شمال ترکمنستان، ازبکستان و تاجیکستان، در جنوب شرق چین ، در شرق و

اداره کنترول محیط زیستی - آینده

پالیسی های محیط زیستی افغانستان بطور پیوسته بهبود میابند. پرورش های ارزیابی خودی نیازمندی های ارتقای ظرفیت ملی برای تنظیم محیط زیست جهانی (NCSA) و برنامه عمل ملی سازگاری با تغییر اقلیم (NAPA)، که در فبروری 2008 تکمیل شدند، خلاصه ای از پیشرفت افغانستان در موردن تطبیق کنوانسیون تغییر اقلیم (UNFCCC)، حفاظت تنوع حیات (UNCBD) و کنوانسیون صحراء گرایی (UNCCD) و موقعیت سرتاسری آن در عرصه محیط زیستی بین المللی را فراهم میکند. ستراتیژی ملی محیط زیستی افغانستان (ANDS)، که توسط اداره ملی حفاظت محیط زیست (NEPA)، در سال 2007 منحیث بخشی از مرحله ANDS ایجاد گردیده، چشم انداز مشترک سکتوری تنظیم محیط زیستی را به وضوح نشان میدهد. همچنان فعالیت ها و ملاحظات مشخصی را جهت رسیدن به اهداف ملی، اهداف انکشافی هزاره (MDGs) (پیشنهاد مینماید). ارزیابی مواد مخرب/کاهنده اوزن در تعیین وزن/اهمیت افغانستان در تأثیر جهانی بالای قشر اوزون، کمک نموده است. در مورد ارزیابی تنوع بیولوژیکی افغانستان، ساحات متراکم/متکاثر ایکولوژیکی، و ظرفیت حفاظت، و نیز در تهیه سفارشات برای تحکیم شبکه ساحات حفاظت شده و تقویة تنظیم منابع مروجه در روستا ها (تنظیم منابع با مشارکت مردم محل)، کار بسیار جامع صورت گرفته است. برای پالیسی محیط زیست افغانستان طریقه جدید طرح شده تا نمونه مشترک سکتوری استفاده از منابع طبیعی، و نیز به عوامل اساسی تخریب محیط زیست رسیدگی نماید.

اداره مسئولیت تکمیل 18 فعالیت کلیدی مربوط به محیط زیست و منابع طبیعی را بدوش دارد. نتیجتاً، در سالهای آینده، اداره ملی حفاظت محیط زیست (NEPA)، در کنار سایر وزارت های سکتوری مانند وزارت زراعت ، آبیاری، و مالداری (MAIL)، وزارت انرژی و آب (MEW)، و اداره ملی مبارزه با حوادث طبیعی افغانستان (ANDMA)، یکی از نهاد های مرکزی خواهد بود که به تنظیم محیط زیست افغانستان، به منفعت افغانها رسیدگی نماید.

قانون جدید محیط زیست افغانستان بر 13 اصل اساسی استوار است. این قانون دارای 9 فصل و 78 ماده مینماید که همه نگرانی های عمدۀ محیط زیستی را احتوا مینماید. بطور مثال، فصل 4 به قوانین تنظیمی کنترول آلودگی و تنظیم زباله ها رسیدگی مینماید؛ فصل 6 بالای تنوع بیولوژیکی، نگهداری و تنظیم منابع طبیعی ترکیز دارد. در مجموع، این قانون وظایف و صلاحیت های اداره ملی حفاظت محیط زیست (NEPA) را معین نموده و نقش این اداره را منحیث اداره رهبری کننده برای طرح، تطبیق، تنظیم و نظارت پالیسی های محیط زیستی افغانستان و همچنان منحیث اداره هم آهنگ کننده همکاری های بین المللی محیط زیستی مشخص میسازد. برای ترویج ، توحید و هم آهنگی بیشتر مسائل محیط زیستی با سایر ادارات دولتی، قانون محیط زیست کمیته هم آهنگی محیط زیستی افغانستان و شورای ملی مشورتی محیط زیستی را ایجاد نموده است.

پنج سال گذشته، شاهد چندین دست آورد مهم در عرصه اداره کنترول محیط زیستی بوده است. اداره ملی حفاظت محیط زیست (NEPA) در سال 2005، منحیث اداره پالیسی ساز محیط زیستی افغانستان ایجاد گردید تا مکلفت های تنظیم، هماهنگی، نظارت و تنفيذ را ایفا نماید. با کمک تخصصی پروگرام محیط زیست ملل متحد (UNEP)، اولین قانون محیط زیست افغانستان، بعد از طی مراحل مشورتی تسویه و در اخیر 2005 توسط رئیس جمهور توشیح گردید. بعداً این قانون توسط شورای ملی (تازه تشکیل آنوقت) تجدید نظر و تعديل گردیده و متن نهایی آن در اوایل سال 2007 در (جريدة رسمی شماره 912، مؤرخ 25 جنوری سال 2007) به نشر رسید. مزید برآن، با حمایت جامعه بین المللی پرورش های متعددی در بخش های مختلف ارتقای طرفیت، ارزیابی محیط زیستی، پاکسازی و اعادة مجدد تطبیق، و کنوانسیون های مهم بین المللی محیط زیستی و توافقنامه های همکاری های فراسرحدی به امضاء رسیده اند. تصویب استراتیژی ملی اکشاف افغانستان (ANDS) در سال 2008، در کنار سایر مسائل و سکتور های دارای اولویت، تنظیم محیط زیستی و حفاظت آن، منحیث یک گام اساسی به جلو خواهد بود.

نouق میرود که اداره ملی حفاظت محیط زیست (NEPA)، در چوکات ستراتیژی ملی اکشاف افغانستان (ANDS) نقش مهمی را در حفاظت محیط زیستی ایفا نماید. اما، صلاحیت و اختیار این اداره وسعت بیشتر دارد: مطابق قانون محیط زیست، این

منابع آب

مسایل کلیدی:

استفاده آب در زراعت، تنظیم پایدار آب، اثرات بالای آبیاری و منابع آب زیر زمینی، دسترسی محدود به آب آشامیدنی پاک و بهداشت، ذوب شدن یخچال‌ها، خشک شدن جهیل‌ها، و دیگر اثرات تغییر اقلیم.

کوه‌ها «برج‌های حیاتی آب» برای افغانستان و درمجموع، منطقه آسیای مرکزی می‌باشدند، با آنهم، تغییر اقلیم ذوب شدن یخچال‌های کوه، خشک سالی شدید و تنظیم ناقص منابع آب، تأمین آب را تهدید مینمایند. ویرانی سیستم‌های بزرگ و کوچک آبیاری ناشی از جنگ و از بین رفتن نهر‌های آب، دسترسی به این منبع اساسی را کاهش داده است. اما، پروژه‌های بازسازی و تنظیم حوزه دریایی در حال تطبیق اند و به مشکلات آب رسیدگی مینمایند. قانون جدید که از طرف ادارات مناسب حمایت می‌شود تصویب گردیده، همکاری‌های فرا سرحدی محیط‌زیستی در مورد تنظیم منابع آب و برق آبی به تدریج شکل می‌گیرند. دسترسی بهتر به منابع آب صحی آشامیدنی برای مردم شهر و روستایی، یک اولویت عده می‌باشد.

تهیه آب مطمئن نمی‌تواند زمین‌هایشان را کشت نمایند. بعضی ولایات که برای آبیاری شدیداً به آب زیر زمین متکی اند – مانند غزنی، هلمند و ارزگان- عمل آسیب پذیر اند و خشکسالی و کمبود آب مستقیماً بالای معیشت مردم اثر می‌گذارد.

به پیمانه وسیعتر منطقی، دسترسی به منابع آب در آسیای مرکزی و افغانستان، می‌تواند یک منبع تنفس محلی (منازعات افرادی و بین المجتمعات)، و یک منبع اختلاف در روابط بین الدول (سلسله‌های برق آبی و آبیاری، و روابط بین کشور‌های بالا آب و پایان آب) گردد.

سلسله خشکسالی‌های اخیر و درجه حرارت رو به افزایش هوای جم یخچال‌های افغانستان را کاهش داده که به علت تغییر اقلیم، کشور را مزیداً با مشکلات دراز مدت مواجه می‌سازد. در ظرف 50 سال گذشته، یخچال‌های بزرگتر در کوه‌های پامیر و هندوکش، الی 30% کوچک شده اند در حالیکه تعدادی از یخچال‌های کوچک کاملاً ناپدید شده اند. بیش از 2.5 میلیون جمعیت افغانستان از خشکسالی متضرر شده است و یا در مقابل اثرات خشکسالی‌های اخیر و قلت آب، آسیب پذیر می‌باشد. این تعداد بنا بر ازدیاد گرمایش کره زمین و توسعه شهرها، افزایش می‌یابد.

در ظرف 5 سال گذشته، کاهش دراماتیک مرغان آبزی درجهیل‌های سیستان که یک منبع آبی فراسرحدی مشترک با ایران می‌باشد.

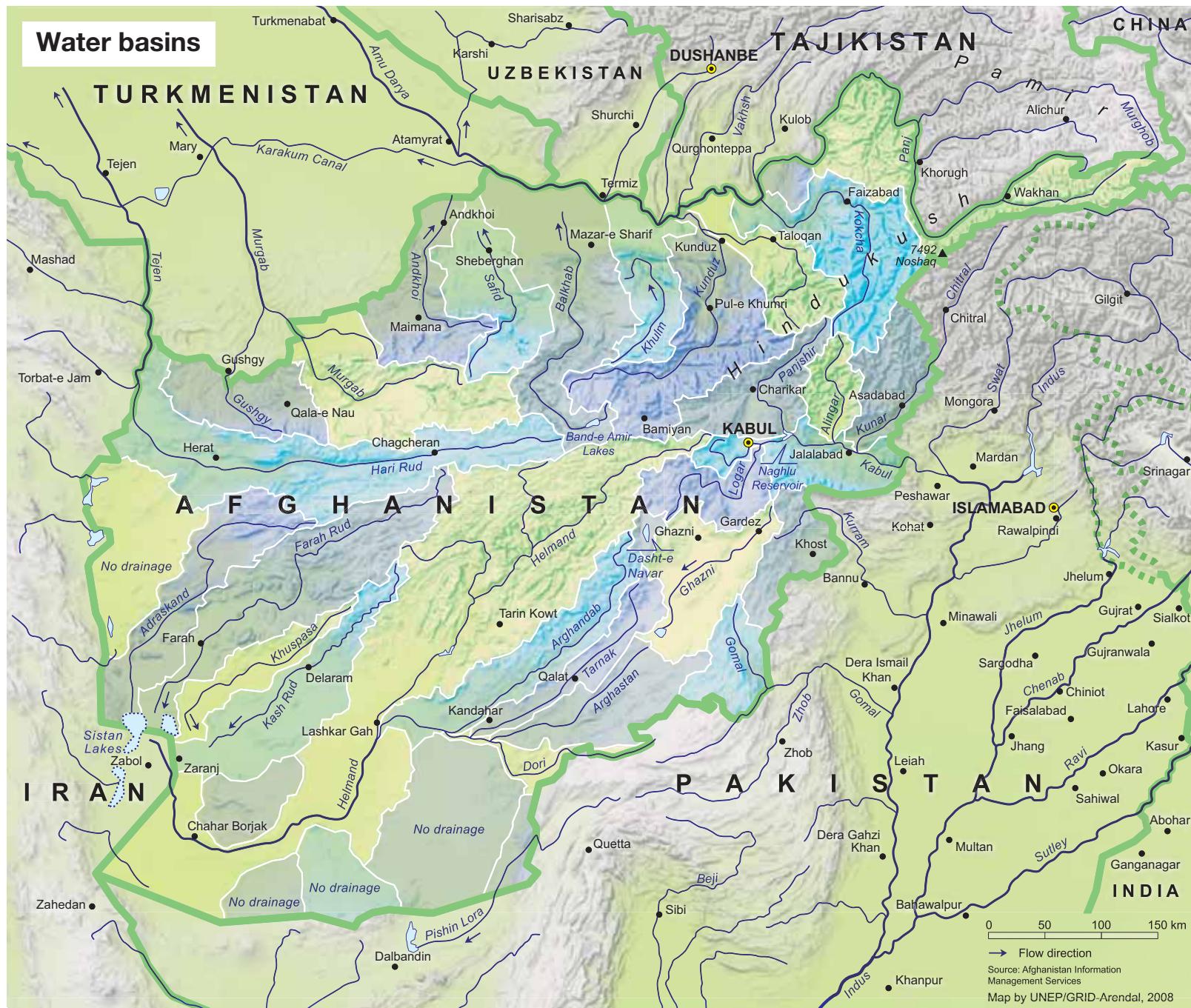
سرانه (GDP) را تشکیل میدهد. همچنان، بیشتر از 80% جمعیت در زراعت و تربیه حیوانات مشغول می‌باشند. این کشور از ناحیه کمبود آب، شدیداً آسیب پذیر می‌باشد.

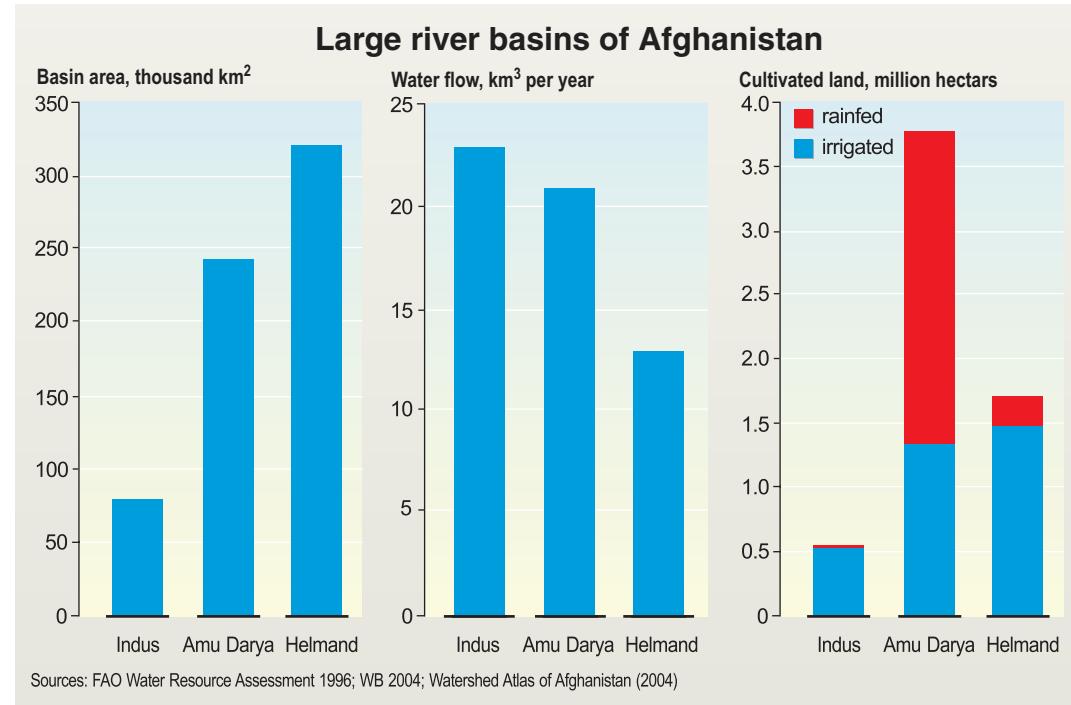
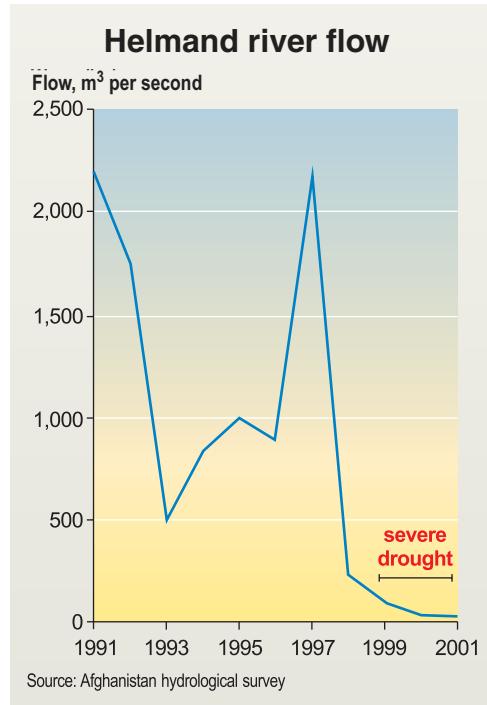
تقریباً 20 کیلومتر مکعب آب برای آبیاری و آشامیدن استفاده می‌شود. این شامل 85–90% آب از سطح زمین، و 10–15% آن از منابع زیر زمین می‌شود. از 99% آب ناشی از دریاها و نهرها، چشم‌های کاریزها و اکویفرهای عمیق و سطحی، برای مقاصد زراعت استعمال می‌شود. استفاده آب احتمال دارد که در سال‌های آینده به دلیل تقاضای فزاینده برای زراعت و همچنان مراکز شهری و صنعتی، افزایش یابد.

ساحة مجموعی تحت آبیاری، در طی 30 سال اخیر در نوسان بوده است. در اواسط دهه 1970، افغانستان از لحاظ تهیه‌گذا، تقریباً خود کفایت کرده است. در میان 3.3 میلیون هکتار زمین، با استفاده از میتوود های مختلف آبیاری کشت گردیده بود که تقریباً 80% تمام محصولات غله کشور را تولید می‌کرد. بنابراین آرامی و جنگ‌ها، خشکسالی‌ها، ویرانی‌های ناشی از سیلاب‌ها، متروک‌گذاشتن و عدم نگهداری سیستم‌های آبیاری به سطح محل و ملی، این رقم به دو میلیون هکتار تنزل کرده است. در مجموع، زراعت در ساحة تحت آبیاری بار دیگر رو به افزایش است، اما یک سوم حصه زمین، که قبلاً کشت می‌شد، الان به دلیل کمبود آب کشت نمی‌شود. در نتیجه، زیر بنای زراعتی شدیداً متضرر گردیده و بیشتر دهقانانی که به زمین‌های خود عودت می‌کنند، بنا به نبود

آب از عده ترین منابع طبیعی کشور و کلید صحت و رفاه مردم افغانستان می‌باشد. در افغانستان مانند سایر کشورهای جهان، موجودیت، دسترسی به آب با کیفیت (یا عدم موجودیت آب) می‌تواند یک عامل تنازع یا قوه محرکه مهاجرت باشد. چون افغانستان یک اقلیم خشک دارد، منابع آب آن بخصوص در زمان خشک سالی کم می‌باشد. بیش از 80% منابع آب افغانستان در کوه‌های هندوکش در ارتفاعات بیش از 2.000 متر، سر چشم‌های میگیرد. این کوه‌ها منحیث ذخایر طبیعی عمل مینمایند، و در زمستان از طریق انباشتن برف‌ها، در بهار ذوب شدن برف و ریزش باران، و در تابستان با رهایی آب‌های منجمد از یخچال‌ها با عث تداوم جریان آب، در دریاها می‌شود. حوزه دریایی آمو، که با تاجیکستان، ازبکستان، و ترکمنستان مشترک است، تقریباً 15% ساحه خاک افغانستان را احتوا نموده و تقریباً 55% منابع آب کشور را تأمین می‌نماید. این حوزه دارای بزرگترین ظرفیت برای آبیاری زراعت و برق آبی می‌باشد. در مقابل، حوزه دریایی هلمند، که تقریباً 45% خاک افغانستان را تحت پوشش دارد، مجموعاً در حدود 10% منابع آب کشور را فراهم می‌نماید.

زمین آبیاری و باغهای افغانستان (3 میلیون هکتار) برای مجموع محصولات زراعی افغانستان، و 3.5 میلیون هکتار اضافه برای حاصلات غیر آبیاری (ملی) استفاده می‌شود، که متکی به ریزش باران اند. هردو با هم یکجا در اقتصاد کشور نقش عده دارند، که زراعت بیشتر از نصف عاید ناخالص





در شهر کابل، که بیشتر آب آن از منابع آب زیر زمین تهیه میگردد، (با بمبه های دستی به اکویفر های کم عمق، و چاه های عمیق به اکویفر های عمیق) کیفیت آب از لحاظ موقعیت مختلف میباشد. در بعضی جا ها کیفیت آب سطحی قابل قبول بوده اما در جا های دیگر، آلوده کننده ها، آب را برای استهلاک/استفاده غیر مصون میسازند. استفاده از مواد کیمیاوی زراعتی و ذخیره نا مناسب حشره کش ها، آب های سطحی و آب های زیر زمینی را یکسان آلوده میسازند.

سهم گیری افغانستان در مشارکت های منطقی و جهانی آب، برای استفاده آینده آب های بین المللی، عنقریب یک شرط لازمه خواهد شد. افغانستان به ایجاد یک بنیاد مناسب معلومات نیاز دارد که در برگیرنده کیفیت و کیمیت منابع آب آن باشد.

(%)، در حالیکه اندازه دسترسی خانواده های روستایی و شهرنشین بالترتیب 26% و 64%， بر مبنای حداقل ضرورت 20 لیتر فی نفر در هر روز، برای جمعیت شهرنشین میباشد. دسترسی فی نفر در هر روز، برای جمعیت شهرنشین میباشد. دسترسی به بهداشت صحی (مستراح عصری) در سراسر کشور تنها برای 5-7% خانواده میسر است. امکان ملوث شدن آب با باکتریا زیاد است، که امراض و مرگ و میر بخصوص اطفال را افزایش میدهد.

منابع آب در افغانستان به علت تخلیه مختلط فاضلاب های تصفیه نشده صنعتی و خانگی، و تخلیه زباله های خانگی و روی سرک به داخل نهر ها، آلوده می شوند. در بعضی اکویفر ها تمکز مواد کیمیاوی خطرناک از استندرد های بهداشتی تجاوز میکند.

باشد، به مشاهده رسیده است. در سال 2001 یک خشک سالی شدید مانع پر شدن دوباره این تالاب ها گردید و، با اثرات منفی قابل پیش بینی بر ایکو سیستم، جهیل کاملا خشک شد. کول حشمت خان، در نزدیکی شهر کابل، یک تالاب تخریب شده دیگری است. شرایط خشکسالی و تغییر مسیر آب از آن، برای آبیاری و استفاده خانگی، باعث خشکیدن تالاب مذکور گردید. اسکان شهری، اکنون ساحة وسیع تالاب قسما خشکیده را احتوا نموده است. خشکسالی و استخراج مفرط آب زیر زمین همچوar، جهیل های آب ایستاده و دشت ناور ولايت غزنی را متأثر ساخته است.

تقرباً 31٪ خانواده های افغانستان اکنون به آب آشامیدنی صحی دسترسی دارند. خانواده های کوچی کمترین حد دسترسی



محیط زیست و فقر

از: صفیه سیفی، هما جمشید، نیلاب حبیبی



از «محیط زیست کابل در تصاویر»

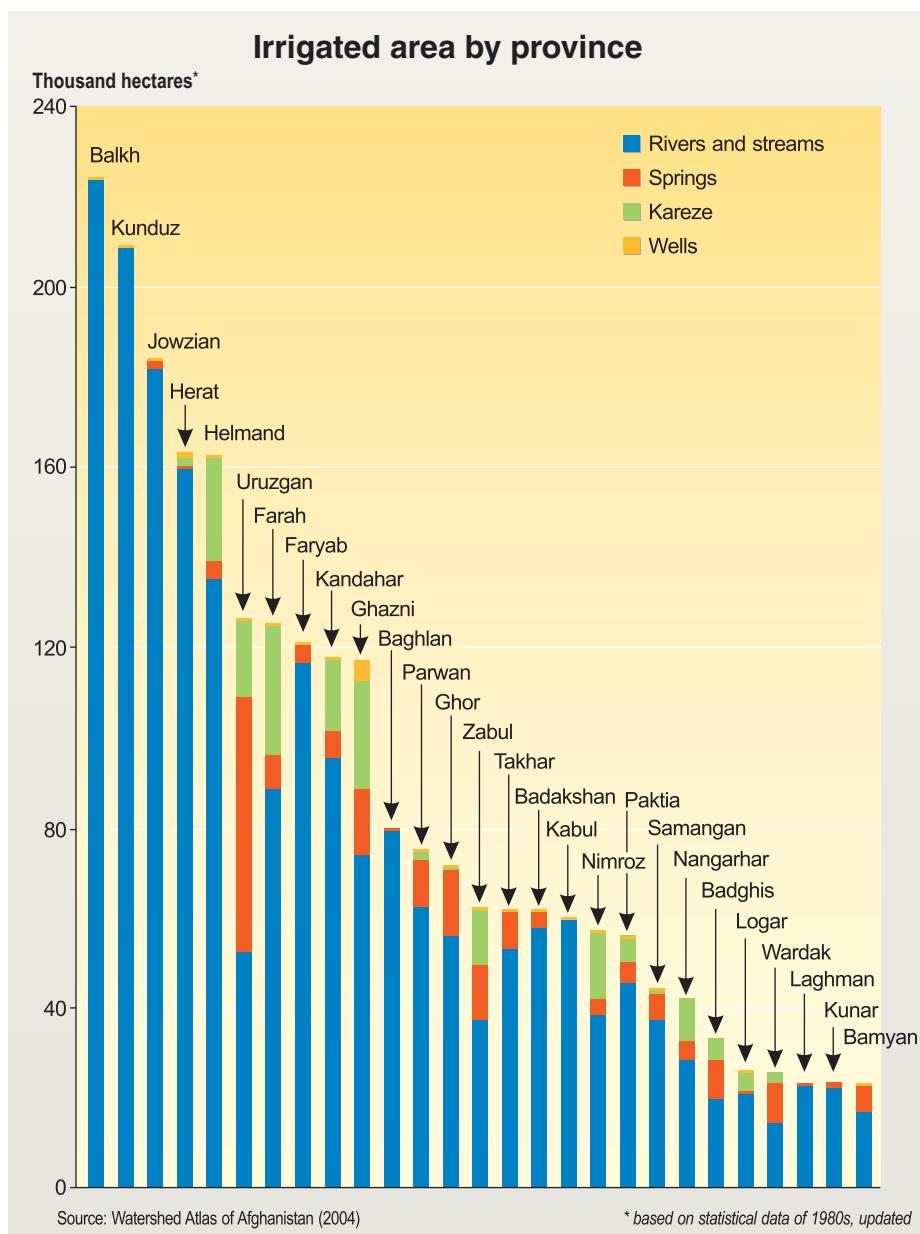
اولین نمایشگاه عکس از محیط زیست افغانستان، دسمبر 2006

همچنان، این کشور باید در مورد نیازمندی های کنونی و آینده آب و وفرت کنونی آن، یک ارزیابی جامع را انجام دهد. این کار میتواند در همکاری با همسایه ها و تبادله معلومات و تجارت/مهارتها و ایجاد روابط مسلکی و بین السکتوری صورت گیرد.

تطبيق اصول عصری تنظیم منسجم منابع آبی (IWRM) و تشکیل نهاد های فعال تنظیم حوزه های دریاپی، در رفع نیازمندی های محیط زیست و مستهلكین، بطور مؤثر کمک خواهد کرد. ایجاد/انکشاف پروژه های ملی آب، یکی از مکلفیت های شورای عالی تنظیم امور آب (SCWAM) میباشد، که اخیراً در افغانستان تأسیس گردیده. یک مسوده قانون آب تدوین گردیده است که مراحل قانونی را طی مینماید. تا هنگام نوشتن این سطور، مسوده مذکور در انتظار تصویب از طرف کابینه و شورای ملی، قرار دارد.

برنامه های آینده:

- طرح یک ستراتیژی دراز مدت (در توافق با IWRM) برای تنظیم منابع آب و کاهش آسیب پذیری در مقابل خشک سالی و سایر آفات طبیعی. این ستراتیژی باید شامل پلان تأمین آب آشامیدنی صحی برای مردم افغانستان باشد. این گونه پلانگذاری، برای احیای مجدد مجتمع روستایی و بیرون صحت عامه و اقتصاد، حیاتی خواهد بود.
- شامل ساختن کنترول آلوگی و تنظیم ریاله ها در پالیسی های ملی که به اثرات آلوگی بالای منابع آب رسیدگی مینماید، و توسعه اقدامات تنظیمی مطابق و سایر تدابیر کاهش دهنده.
- ایجاد ستندرهای ملی کیفیت آب و تأسیس یک شبکه برای مشاهدات سیستماتیک.
- ارزیابی اثرات تغییر اقلیم بالای آب و سایر منابع طبیعی افغانستان و انکشاف پلانهای سازگاری.



مسایل کلیدی:

چرای مفرط، تغییردادن زمین، صحراءگرایی، قطع ناپایدار درختان، تخریب زمین، شکاربدون کنترول و غیر مجاز، اثرات آفات طبیعی، و پلان های نادرست توسعه ای

چراغاه ها، جنگلات و تنوع بیولوژیکی

تاریخ نشان میدهد که تخریب محیط زیست اکثراً در متلاشی شدن حکومت ها و مجتمع پرنشاط، عامل همکار بوده است. ایکو سیستم های غنی و سالم، اساس تأمین معیشت، برای اکثریت جمعیت افغانستان میباشد. متلاش های مؤثر لازم است تا منابع در حال کاهش و رو به خرابی دوباره بحال و حاصلخیزی آنها اعاده شود. برای نیل به صلح، ثبات و آبادی در افغانستان، این یک کلید است.

دهه اخیر، تعداد موادی مخصوصاً گوسفندان و شتر ها به اندازه قابل توجه کاهش یافته است. اما چراغاه های تخریب شده منحیث واقعیت روز باقی مانده اند. طبق مشاهدات دهاقن، تغییرات در نباتات و حاصلدهی آن (همچنان تغییرات در مخصوصیات اقلیمی مانند باران، برف و طوالت موسیم سرسیزی نباتات) آنها را از مراعع عنعنی مجبور به تعویض مراعع در ارتفاعات بلند تر، نموده است. این مجبوریت به نوبه خود باعث افزایش فشار بالای ایکو سیستم های مرتفع شده، که در آن ساحات وسیع نباتات که قبلاً چراغاه های بسیار حاصل خیز بودند- به زمین بته های ناقابل چرش، تبدیل شده اند.

چراغاه ها برای شبستان کوچی خیلی ضروری می باشد (تخميناً 20% جمعیت روستایی را تشکیل میدهد) و بخش زیاد از مردم متواتن نیز عواید شان را از طریق پرورش حیوانات و اشتغال در صنعت موادی بدست میآورند. در ظرف سی سال اخیر جمعیت موادی در افغانستان بین تقریباً چهار میلیون گاو و بیشتر از 30 میلیون گوسفند و بز در تاریخ معاصر کشور (ختم خشکسالی) به پایین ترین سطح ثبت شده با 3.7 میلیون گاو، و تقریباً 16 میلیون گوسفند و بز، در نوسان بوده است.

از تمام جنگلات باقیمانده در افغانستان منحیث ساحت مهم چرش استفاده می شود. این کار مانع رشد مجدد آنها شده و آسیب پذیری آن را افزایش میدهد. اما، در این روز ها، قطع غیر

برای منابع طبیعی در داخل و در خارج، منجر به کاهش قابل ملاحظه منابع، از هم پاشی و حاصلدهی ناقص گردیده است. ساحات وسیع کشور مملو از مابین های زمینی - و جنگلات خالی میباشد، مخصوصاً مناطق شمال و شرق، که نتیجه مستقیم جنگ و تخریب های ناشی از جنگ بالای محیط زیست می باشد.

در حال حاضر چراغاه های افغانستان ساحه تقریباً 30 میلیون هکتار را اشغال نموده که تخمیناً 45% از مساحت کشور می باشد. اما ساحات وسیع که «زمین های بایر» یا «زمین های لم یزرع» نیز گفته میشود، برای چرش مخصوصاً در زمستان، استفاده میشود. بنا بر این، ساحه مجموعی قابل چرش خیلی وسیع است، تخمیناً 70-80% مجموع ساحه زمین، که ریستگاه ها و علوفه را برای تقریباً 35 میلیون موادی و همچنان تعداد بیشماری از حیوانات وحشی را فراهم مینماید. بطور غیر مستقیم، چراغاه ها دارای امکانات قابل ملاحظه صادرات می باشد و از طریق محصولات فرعی موادی مانند: قالین و قالینچه، پشم، و نباتات طبی (رازیانه، *Bunicum*، گل سرخ وغیره) برای مردم روستایی، منبع عواید می باشد. متاسفانه، بیشتر چراغاه های کشور در حالت بدی قراردارند، با چرش مفرط که مشکل عام است، با آنهم رقابت بر سر استفاده از محصولات کمیاب چراغاه، در بین دهاقنی در حال افزایش است. در کوه ها، چرش مفرط عمده ترین عامل از دیدار فرسایش خاک و تخریب جنگ می باشد که مانع رشد مجدد جنگ میشود. در ظرف چند

چراغاه ها، جنگلات و محصولات تنوع بیولوژیکی، اجزای اصلی طبیعت و نیز منابع مهم غذا، مسکن، انرژی و میراث های فرهنگی برای اکثریت وسیع جمعیت کشور میباشدند. این منابع طبیعی بطور درست منحیث «ثروت فقراء» در افغانستان محسوب میشوند زیرا مردم روستایی که در کنار آنها زندگی میکنند، برای تهیه منافع و خدمات ملموس، بالای ایکو سیستم های زراعتی و طبیعی: غله باب، میوه ها، چراء، چارتاش، شکار، نباتات طبی و همچنان کنترول فرسایش، گرده افسانی و ثبات زهکشی، اتکاء دارند. وقتیکه ثبات سیاسی و آرامش در افغانستان برقرار گردد، چراغاه های مرتفع، جنگلات سدر، بیابان های دست نخورده و حیوانات کمیاب، دارای امکانات زیاد موارد توریستی میباشد. برای نمایش ارزش اقتصادی این منابع طبیعی، قابل یاد آوری است که سه دهه قبل، پوست قره قل، پشم، پنبه، میوه، انگور، کشمکش، مغز باب، و محصولات جنگ، 80% صادرات افغانستان را تشکیل میدادند. امروز بیشتر از نیم میلیون دهقان در تولید محصولات باغداری، با ارزش مجموعی صادرات 127 میلیون دالر امریکایی مشغول اند. در مقابل، کشت کوکnar دارای ارزش یک تاسه بیلیون دالر امریکایی ارزش بر سر مزروعه می باشد (50% عاید ناخالص سرانه) و تخمیناً سه میلیون نفر در این کار مشغول اند.

ترکیبی از قوه های مختلف محركه، مانند جنگ و عدم کنترول همراه با یک سلسه آفات طبیعی، رشد جمعیت و تقاضای فزاینده

نموده است. مجامع محلی کنترول بالای منابع طبیعی را که زندگی شان متکی به آن است از دست داده اند، و منابع جنگل به غرض منفعت آنی، توسط مافیای منظم جنایت کاران و تاجران به پیمانه وسیع استفاده میشود. جنگ نیز بالای ایکوسیستم های جنگلات خساراتی وارد نموده است. طی سال های 1980 بسیاری از درختان پسته توسط عساکر سوری ریشه کن و یا نابود شدند، در حالیکه جنگ شدید خطر آتش گرفتن جنگلات را نیز زیاد ساخته بود. سایر عوامل جنگل زدایی شامل عملکرد های ناپایدار مانند قطع درختان برای انرژی و ساختمان(به شمول نیازمندی های فزاینده توسعه شهری)؛ تنظیم ضعیف جنگلات؛ مشوق های ناچیز برای احیای مجدد جنگلات؛ عدم سهم گیری مردم محل و آگاهی؛ تجاوزات شهری و زراعتی بالای زمین جنگلی، میباشد. از دست دادن پوشش جنگل نه تنها اثرات محیط زیستی دارد بلکه منتج به خسارات اقتصادی نیز میگردد.

در سال های 1970 ولایات بادغیس و تخار افغانستان شمالی با جنگلات حاصل خیز پسته پوشیده شده بودند که عایدات قابل توجهی را از این بابت بدست میاوردند. بخش اعظم این جنگلات فقط در ظرف سه دهه از بین رفته که منفعت های عایداتی ناشی از آن را نیز با خود برده است. مشکل است که خسارات غیر مستقیم اقتصادی ناشی از کاهش فعالیت های کلیدی جنگلات، مانند فرسایش، کنترول سیلابها، حاصلخیزی زمین و منافع تنوع بیولوژیکی را محاسبه نمود - اما آشکار است که این مصارف بسیار زیاد است. بالاخره، چون حاصلخیزی چراگاه ها و جنگلات کشور در حال کاهش اند، مردم مجبور شده اند که در تلاش معيشیت بدیل ، از ساحات روستایی به ساحات شهری رو آورند که این باعث افزایش رشد شهر سازی می شود.

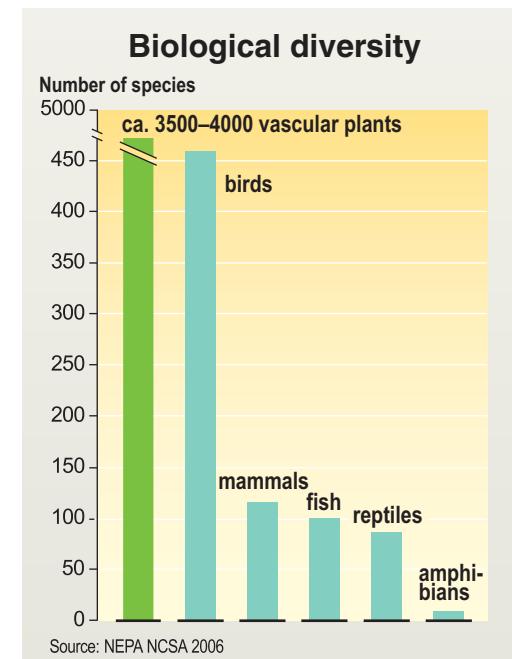
با حضور وسیع قوای نظامی بین المللی و کنترول حکومت در ولایت کنر، و نیز توسعه سایر زیر بناء ها و کنترول دقیق بالای قاچاق چارتراش، بنظر میرسد که میزان قطع جنگلات در سال های اخیر کاهش یافته باشد. اما به علت نبود منابع معلوماتی

قانونی درختان، عامل عمدۀ کاهش و ناپدید شدن جنگلات می باشد. اگر قطع جنگلات به منوال کنونی ادامه پیدا کند، در ظرف سه دهه تمام جنگلات از بین خواهد رفت.

این یک حالت دراماتیک است. بک چند قرن قبل، جنگلات برگریز و همیشه بهار، 50% ساحه کنونی زمین های افغانستان را پوشانده بودند، به شمول یک میلیون هکتار بلوط و دو میلیون هکتار ناجو و سدر در بیشتر بخش های شرقی کشور. درختزار های باز مملو از درختان پسته و بادام و سرو کوهی، یک سوم ساحه زمین را پوشانده بودند. امروز بیشتر بخش جنگلات اصلی از بین رفته است. در اواسط قرن بیستم، پوشش مجموعی جنگلات افغانستان بین 3.4-3.1 میلیون هکتار تxmin گردیده بود. اکنون جنگلات ساحه کمتر از 1.3-1.0 میلیون هکتار (2%) ساحه مجموعی کشور(را، فقط 0.5 میلیون هکتار جنگلات با 10% درختان پر شاخ و برگ ، به شمول 0.05 میلیون هکتار جنگلات با 50% درختان پر شاخ و برگ، را احتوا نموده است. ساحه جنگل سالانه به میزان 3% از سال 2000 الی 2005 (مساوی با قطع کردن و تبدیل نمودن 30.000 هکتار زمین جنگلی در یک سال) کاهش یافته است.

بیشترین بخش جنگلات در ولایات شرقی نورستان، کنر و ننگرهار واقع شده اند. اندازه گیری از فاصله دور (تحلیل تصاویر قمر مصنوعی) این ولایات در سال 1978 و 2002 پوشش جنگل را به بیش از 50% نشان داد.

عوامل متعددی تخریب و کاهش جنگلات را سریع ساخته است. از آن جمله یکی هم تقاضای چارتراش جهت فروش در داخل و خارج، مخصوصاً کشور همسایه پاکستان میباشد. در این اوآخر (در 1992-2002 ، به شمول استفاده طالبان از تجارت چوب جنگل منحیث منبع عایداتی) قطع بیدریغ درختان و قاچاق و تجارت آن بطور قابل ملاحظه (روزانه 50-200 لاری مملو از چارتراش - و یا سالانه بین 150.000-1500.000 متر مکعب) در ولایات شرقی افغانستان در کاهش جنگلات کمک



شده در جریان سال های جنگ از بین رفته اند و جمع آوری بیشتر تخم های بومی وحشی که شاید در مقابل خشکسالی شدید و حشره کش ها مقام بودند، از بین رفته باشند.

اثرات آلوده گی بالای تنوع بیولوژیکی در افغانستان پشكل فاصله ای- پراگنده و بسیار محدود میباشد، به استثنای استفاده و ذخیره نامناسب حشره کش های مانند DDT و بنزین هگز اکلیور اید-آلود کننده های مقاوم عضوی - مخصوصاً برای کنترول ملخ ها در مناطق زراعی شمال کشور. این مواد کیمیاوی برای دهه ها سال به اندازه زیاد استعمال میشدند و ممکن با اثرات احتمالی آن بالای تنوع بیولوژیکی، منابع آب و زنجیر مواد غذایی، در ایکوسیستم متراکم شده باشد. برای پر کردن خلا های داتا، به ارزیابی بیشتر نیاز است.

برنامه های آینده:

- ایجاد یک موجودی داتای علمی در مورد نباتات و حیوانات.
- طرح سیستم ملی ساحات حفاظت شده که در مقررات ساحات حفاظت شده در نظر گرفته شده.
- ایجاد اسناد قانونی کافی مانند قوانین، پالیسی ها و پروتیکل ها جهت تنظیم و رسیدگی به مشکلات حفاظت تنوع بیولوژیکی.
- رهبری و تطبیق روش های تنظیم چراگاه ها و جنگلات بر اساس مشارکت مجتمع/مردم محل.
- کاهش قطع غیر مجاز درختان، خصوصاً بمقدار زیاد و فعالیت های فرامرزی، با تنفيذ مهلت قانونی برای چارتراش که از طرف حکومت مرکزی داده شده.
- برآه انداختن فعالیت های جنگل سازی مجدد و نهال شانی، خصوصاً در ساحتیکه محتاج/مردم محل از جنگل، چرا که و سایر منابع بطور پایدار استفاده می کنند.

آبیاری و مالداری (MAIL)، برای همکاری با کشور های همسایه در جهت تقویة ایکوسیستم های فراسرحدی، قوت می گیرند. بخصوص در این مورد، برای ایجاد یک ساحة حفاظت شده فراسرحدی در دهليز و اخان در کوه های کراکورم- پامیر (نقطه اتصال افغانستان، تاجیکستان، پاکستان و چین)، که ساحة حفاظت شده متوجه افغانستان را با ساحات متماشی کشور های همسایه وصل میکند، فعالیتی ادامه دارد. دولت افغانستان در نظر دارد که بند امیر، واقع در مرکز افغانستان - و متشکل از شش جهیل زمردی و بند های ترانورتین- منحیث یکی از ساحة میراث های جهانی نامزد نماید. دشت ناور و آب ایستاده ساحات احتمالی مهم حفاظت شده اند، خصوصاً منحیث زیستگاه ها و توقف گاه برای مرغان آبزی و پرنده های مهاجر میباشد. اما، بنا بر موقعیت آنها و نگرانی های امنیتی مرتبط، دسترسی به این ساحات محدود بوده که این به نوعه خود تطبیق هر نوع شیوه های مؤثر تنظیم را به تعویق می اندازد. حیات وحش و تنوع بیولوژیکی افغانستان میتواند برای عواید توریستی آینده افغانستان اجزای عده باشند، برای حفاظت این منابع قبل از اینکه فرست برای همیشه از دست برود، باید توجه لازم صورت گیرد. اثرات فعالیت های اقتصادی، مانند توسعه سرک ها و شبکه های انرژی بالای پراگنده شدن ایکوسیستم، باید در پلان های اکنشافی آینده، به طور صریح در نظر گرفته شود. افغانستان در حال حاضر، دارای حد نسبتاً پایین متلاشی شدن (0.05) در مقایسه با سایرین (جرمنی 2.0، ناروی 0.3، تاجیکستان 0.2)، میباشد. به هر اندازه ایکه این شاخص بلند باشد بهمان اندازه ایکوسیستم های یک کشور متلاشی میباشد، و در نتیجه فشار بیشتر بالای حیات وحش و حیوانات مهاجرت کننده وارد میگردد.

از منابع جنیتیکی دارای اهمیت جهانی افغانستان باید یاد آوری شود. تقریباً 5000 سال قبل گندم عام یا گندم نان (*Triticum aestivum*) برای اولین بار در قلمرو افغانستان معاصر کشت شده بود. برعلاوه، داشتنمدان بر این باور اند که افغانستان انواع بیشتر بومی گندم را نسبت به هر جای دیگر جهان پرورش میدهد. متأسفانه تعداد زیادی از انواع کشت

بیطرف و تحقیق ناکافی، اکنون هیچ ذریعه تایید آن وجود ندارد. با در نظر داشت منافع زیاد اقتصادی از محصولات جنگل، معلوم نیست که گرایش امیدوار کننده کنونی ادامه پیدا خواهد کرد یا خیر. در بعضی ولایات شمالی افغانستان گرایش بسیار امیدوار کننده بسوی احیای مجدد جنگلات نیز مشاهده شده است.

مانند چراگاه ها و جنگلات افغانستان، بیشتر میراث حیات وحش افغانستان تاحدزیادی در معرض تهدید قرار دارد. قاز حسینی تقریباً برای هشت سال در افغانستان نسل گیری نه نموده است. کلنگ سایریابی از 20 سال به اینطرف به مشاهده نرسیده است. چندین نوع پستانداران مانند ببر کسپین (*Panthera tigris virgata*) در کناره نابودی چینی قرار دارند و برای دهه ها در افغانستان دیده نشده اند. سایر حیات وحش مانند آهوی مار خور (*Capra falconeri*) بومی تلقی شده تنها در افغانستان و سرحدات مجاور آن زندگی میکند. خصوصیات مهم تنوع بیولوژیکی این حیوانات قدرت تحرك زیاد آنها است، و مهاجرت موسمی در سرحدات مشترک، در حفظ تعداد کافی جمعیت حیوانات کمک میکند.

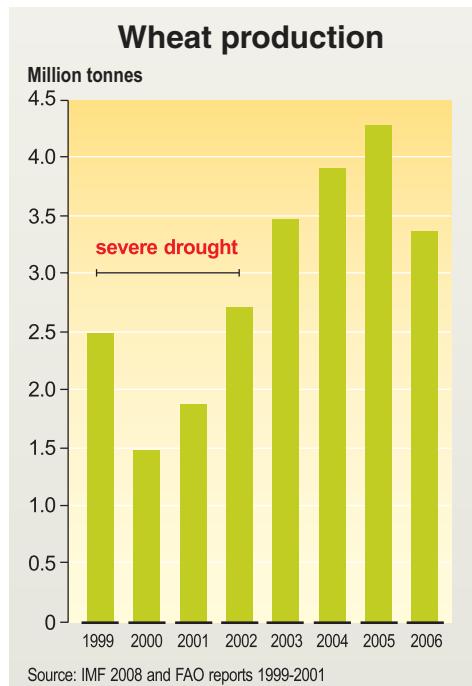
دهليز و اخان یکی از ایکو سیستم های محدود کوه های بلند دست نخورده است، که مسکن پلنگ بر فی در معرض خطر و سایر پستانداران به شمال گوسفند مارکوبولو میباشد. اما، شکار در بیشتر مناطق کشور، یا برای سپورت یا برای غذا و یا تهیه پوستین که بالای خارجی ها در کابل فروخته شود، صورت میگیرد. وضعیت قانون ساحات حفاظت شده، در حال حاضر تحت سوال بوده، و تصویب مقررات ساحات حفاظت شده قانون محیط زیست، در حال تعلیق میباشد. اگرچه مقررات و پلان های تنظیم ساحات حفاظت شده اکنون در حال تدوین قرار دارند، اما تنظیم مؤثر در سطح ساحه جهت حفاظت و نگهداری تمامیت ایکولوژیکی و حیات وحش محدود است، نهایی شدن پلان ها و مقررات (با استثناء قابل ذکر پارک ملی پیشنهاد شده بند امیر) معلق می باشند. در مقابل این پس منظر تلاش های پیشگیرانه اداره ملی حفاظت محیط زیست (NEPA) و وزارت زراعت،

استفاده از زمین، زراعت و خاک

مسایل کلیدی:

صحرا گرایی، استعمال مواد کیمیاوی زراعتی، چرای مفرط، افزایش جمعیت، فشار فزاینده بالای منابع زمین، ماین های زمینی و دسترسی به زمین ها

بنابر وضعيت اجتماعی-اقتصادی و جيوفزيکي آن، افغانستان از ده ها سال به اينسو، از ناحيه تخريب زمين شدیداً متضرر شده است. اين کار به نوبت خود، در مهاجرت های فزاینده ايكولوژيکي و فشار اضافي بالاي ايكوسистем يك عامل عمدی بوده است. شاخص های وسیع نشان ميدهد که خسارات ناشی از صحراء گرایي افغانستان خيلي بزرگ بوده و همواره رو به افزایش می باشد. حاصلخیزی زمین با پنهانه های ضعيف زراعتي؛ معمولات علف چری به علت جنگ، ملکيت زمین و خشك سالی متاثر گردیده و تعاملات عنعنوي چراگاه ها را تغير داده است؛ و سیلاب ها و لای و لجن سیستم های آبیاری را متضرر می سازد. مانند سایر کشور های رو به انکشاف، دلایل مستقیم و اساسی برای تخریب زمین وجود دارد که بنا به پالیسي های ناقص ملي، زیربنا، منابع، و حاكمیت و نیز احساس عدم مسئونیت که نمایانگر ایام جنگ هاست، وضع را پیچیده ساخته است.



در روشنی جمعیت رو به افزایش و احتمالات خشکسالی های شدید، که بالای حاصلخیزی زراعتی کشور تاثیر می گذارد، زمین دارای اهمیت بزرگ می باشد. در مقابل این پیشینه، زمین های باير (صحراء ها و صخره ها) ساحه يك سوم تمام زمین کشور را احتوا میکند در حالیکه ساحه زمین زراعتی تحت کشت و چراگاه در دو ياره گذشته، بنا (به علت نبود آب و يا خساره مندى سیستم آبیاری)، و يا تخریب زمین (به علت فرسایس خاک، سور سازی، فقدان حاصلخیزی زمین) متوقف گذاشته شدند. در سال 1980 زمین قابل کشت بالای هر هکتار 0.55 هکتار بود و در سال 2007 این رقم تنها به 0.25 هکتار فی نفر رسید. سالهای خشک پی در پی در بین سالهای 1999-2004 و خشکسالی شدید بین سالهای 1991-2001، ساحات مزروعی را بطور قابل ملاحظه ای کاهش داده و نیز فشار بزرگ را بالای چراگاه و مردم کوچی گذاشت. عدم تكافوی حاصلات زراعتی، باعث مهاجرت های دسته جمعی مردم به صوب مراکز شهری گردید.

حاصلات زراعتی افغانستان بنا به انتکاء خيلي زياد بالاي آب برف، يخ و باران ها، محدود می باشد. ازینرو، حاصلات غله جات از يکسال به سال ديگر صریحاً فرق میکند که منوط به

سکتور زراعتی افغانستان جز مهم رشد اقتصادی و انکشاف بشری بوده و خواهد بود. بناءً، حفظ معيشت افغانستان اساساً اداره شاسيته و از لحاظ محيط زیستی تنظیم سالم منابع می باشد. اما با در نظر داشت وضعیت کتونی و ظرفیت حاصلدهی آن، سکتور زراعت تا حدی محدود گردیده و بالای منابع طبیعی فشار فزاینده را وارد مینماید.

متأسفانه، ماین های زمینی و مهمات منفجر نشده (UXO) در ساحات وسیع کشور دفن می باشند که برخی از زمین های زراعتی را غیر مصیون ساخته اند. ماین های زمینی در افغانستان ، هر روز تخمیناً 10 الى 12 نفر را يا می کشد و يا معیوب می سازد. در يك مقطع، ساحه مملو از ماین ها، تقریباً 870 کیلو متر مربع زمین افغانستان را احتوا میکرد (افغانستان را به يکی از کشور ها مبدل ساخت که بیش از همه ماین گذاری شده بود). تاکنون بیش از 400.000 ماین های زمینی از بین برده شده اند و هنوز يك بخش عمده زمین های ماین گذاری شده به پاک کاري نياز دارد (اوسطاً، سالانه 15 الى 30 کیلو متر مربع زمین از ماین های پاک می گردد).



دشت با آبیاری و زراعت پر رونق میشود
از محمد شفیق پوپل و لی احمدزی



از «محیط زیست کابل در تصاویر»
اولین نمایشگاه عکس از محیط زیست افغانستان، دسمبر 2006





چون تلاشی در جهت ایجاد یک پالیسی مقدماتی زمین و منابع و چارچوب تنظیمی برای افغانستان آغاز گردیده، این تلاش‌ها، به گسترش افقی نیاز دارد تا در سطح ملی، یک بخش وسیع جوانب ذی‌علقه را شامل نماید و از بالا به پایین، شریک ساختن کامل حکومت‌های ولایتی و محلی و نیز مردم محل است که در تنظیم منابع طبیعی مستقیماً سهم بگیرند. این نیز خیلی مهم است که رسیدگی به مسئله تخریب زمین در چارچوب ستراتیژی های انکشاف محلی و زراعتی، باید شامل ساخته شود.

آب و هوا می باشد. حتی در سال‌های خوب نیز افغانستان از لاحاظ حاصلات زراعتی خود کفای نموده و به کمک‌های غذایی متکی می باشد.

مطابق به ارزیابی جهانی تخریب خاک (GLASOD)، در حدود ۱۶٪ ساحه زمینی افغانستان بنا به فعالیت‌های بشری، متضرر گردیده است در حالیکه آسیب پذیری آن در مقابل صحراءگرایی، در جهان از همه بیشتر می باشد (۳/۴ حصة آن در معرض صحراءگرایی می باشد). کمتر از ۱٪ زمین در ساحت حفاظت شده قرار دارد. که هیچ کدام آن جنگل‌ات رو به کاهش کاج را احتوا نمی‌کند. ترکیب جیولوژیکی، توپوگرافیکی (نقشه کشی) و اقليمی افغانستان، استعداد پروسه فرسایش خاک را بطور طبیعی افزایش میدهد، اما فعالیت‌های انسانی گاه گاه آنها را از طریق کشتکاری زمین‌های شبی دار، جنگل زدایی و از بین بردن پوشش نباتی زمین‌ها و استفاده ناپایدار علفزار و بوته زار، به شکل قابل ملاحظه‌ای بدتر می‌سازد. یکی از تاثیرات خیلی تهدید کننده ناشی از بین رفتن خاک و پوشش نباتی، صحراءگرایی و سرازیر شدن سیلان‌های متزايد می باشد.

برنامه‌های آینده:

- تهیه پلان ملی عمل و ستراتیژی چهت رسیدگی به مشاکل صحراءگرایی و تخریب زمین، و شامل ساختن تنظیم پایدار زمین.
- ایجاد یک سیستم معلومات برای ارزیابی کمیتی، تخطیط و نظرات و حد/وسعت تخریب زمین و تأثیر آن بالای ایکوسیستم.
- اقدامات برای احیای مجدد زمین و نیز در جهت ارتقای آگاهی و ظرفیت سازی.

طوریکه تخریب زمین چندین اجزای ایکوسیستم را احتوا می کند، اقدامات جهت رسیدگی به این مشکل باید جامع و کامل باشد.

محیط زیست شهری

افغانستان یکی از کشورهای منطقه است که سریعترین شهر نشینی در آن چریان دارد فلهذا ضروری خواهد بود که در مورد پلانهای شهری و انکشاف دوباره فکر شود. با بیشتر شدن نفوس در شهرها، بالای تنظیم زباله‌ها، سیستم‌های انرژی، حفظ الصحه، خانه سازی و زیربنا، فشار بیشتر وارد می‌گردد. صحت شهر نشینان و یک محیط زیستی سالم اولویت‌های عالی بشمار می‌روند.

مسایل کلیدی:

رشد سریع شهری، تنظیم زباله‌ها، زیربنای خدمات عقب مانده و فرسته‌های اعمار مجدد، دسترسی به حفظ الصحه و آب آشامیدنی سالم، آلودگی هوا و نگرانی‌های صحی

سال برای زنان و 43 سال برای مرد‌ها تخمین زده شده بود که از اوسط عمر مردم در جهان که 67 سال است، خیلی پایین‌تر باشد. در سال 2002، اداره مرکزی احصائیه و بانک جهانی، اوسط عمر افغانها را 44.5 سال تخمین کردند.

رشد سریع جمعیت شهری، عمدتاً به علت ورود مهاجرین افغان بوده که به علت جنگ چند دهه‌های اخیر کشور را ترک کرده بودند. علاوه بر آن، مهاجرت‌های دسته جمعی و بیجا شدن‌های داخلی، بنا به کمبود مواد غذایی و سایر مشکلات امنیتی، از ساحات روسنایی به ساحات شهری، چریان دارد. شهرهای بزرگ، خصوصاً کابل، ترجیحاً منزل مقصود می‌باشد که دارای تسهیلات‌های بیشتر است. مسئله دیگر امنیت ساحات روسنایی است که ساحات وسیع ماین‌گذاری شده مانع سکونت پذیری مهاجرین عودت کننده در ساحات روسنایی می‌گردد. سکونت گزینی متراکم بدون پلان و غیر رسمی، تقاضای شدید را برای تهیه خدمات اولیه ضعیف شهری، مانند انرژی (برق)، افزایش میدهد در حالیکه آلودگی هوا شهر را بدتر می‌سازد.

بطور مثال، منابع آب زیرزمینی کنونی که به شبکه آبرسانی کابل آب فراهم مینماید، تنها الی سال 2012 میتواند به تقاضای فزاینده، اگر مصرف روزانه یکفر تها 40 لیتر آب فرض شود، جوابگو باشد. چون منابع آب زیرزمین متبادل مطمئن تاکنون تشخیص نگردیده، منحیث منبع جدید آب برای کابل، باید بالای منابع آب سطحی توجه مرکوز گردد. به یک مطالعه عاجل و به تعقیب آن اتخاذ تصامیم در مورد منابع متبادل آب سطح نیاز است تا فراتر از سال 2012، تهیه آب تأمین گردد. تنها دیزاین و تطبیق همچو یک پروژه، پنج سال را در بر خواهد گرفت.

آن چریان دارد؛ پیش‌بینی‌های احصائیه گیری جمعیت مشعر است که جمعیت شهری افغانستان میتواند الی سال 2015، پنج میلیون نفر افزایش باید. در محیط‌زیست شهری، صحت انسانی به علت تنظیم ناقص زباله‌ها، کمبود وسایل حفظ الصحی و آب آشامیدنی پاک و آلودگی هوا، در معرض تهدید قرار دارد. در بیشتر شهرهای محل مناسب دفن انجار زباله وجود ندارد، و هیچ یک از انجارگاه‌های زباله، بنمودر جلوگیری از آلوده شدن آب زیرزمین، و یا هوا از آلودگی زهريات ناشی از احتراف زباله‌ها، دیزاین نگردیده‌اند. تحت شرایط محیط‌زیستی، مردم به زندگی رفت بار مجبور می‌باشند. انجارگاه‌های زباله چندین مرکز شهری-مانند قندھار و هرات- در ساحتی واقع اند که در معرض حوالث طبیعی قرار دارد، جاییکه آب باران یا سیلاب تند ناگهانی میتواند محتويات زباله را به یک محیط‌زیست باز سرازیر نماید و یا دریا هارا آلوده سازد. انجارگاه کابل، از آب‌های زیرزمین به طور ناقص مجزا گردیده که آب‌های زیرزمین را با خطرات عده مواجه می‌سازد.

در حال حاضر، چگونگی وضع صحی در کشور، شایدیکی از ناقصترین وضعیت‌ها در جهان باشد. بر اساس دیتا/معلومات که توسط Earth Trend در سال 2003، فراهم گردیده، مرگ و میر اطفال خورد سال در بین سالهای 2000 الی 2005 در حدود 161 نفر بود که مقایسه 52 نفر در کشورهای شرق میانه و افریقای شمالی، و 55 نفر در تمام دنیا است. به همین نحو، 257 نفر «وفیات در کمتر از سن پنج سالگی» در سال 2000، یکی از بیشترین وفیات در جهان بود: در مقابل 64 نفر در کشورهای شرق میانه و افریقای شمالی، و 83 نفر در تمام جهان. در نتیجه، اوسط عمر برای سال 2005 به 43.5

مراکز شهری افغانستان، در آسیای مرکزی از همه قدامت دارند. بلخ در شمال افغانستان، که در گذشته‌ها بنام بکترا نیز شهرت داشت، بیش از 3500 سال قبل تأسیس و یکی از شهرهای عمده جهان بود؛ کابل-پایخت و یکی از بزرگترین شهرهای افغانستان است که دارای بیش از سه میلیون جمعیت و یک مرکز اقتصادی و فرهنگی، دارای قدامت 3000 ساله می‌باشد؛ سکندر کبیر که شهر قدماه را بنیان گذاشت. دومین شهر بزرگ افغانستان و یک مرکز مهم تجاری می‌باشد که دارای 450.000 جمعیت است.

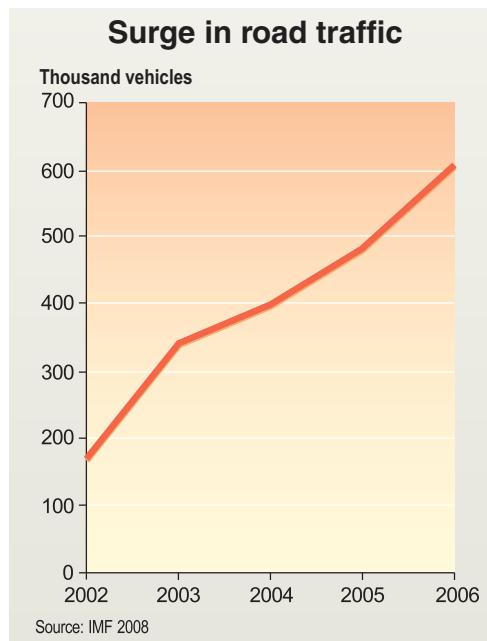
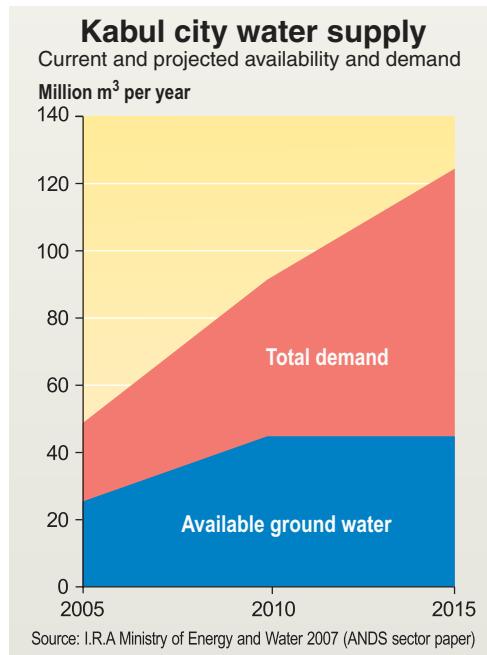
در شهرهای بزرگ و شهرک‌های کوچک از 20% الی 30% جمعیت کشور سکونت دارند که شاهد افزایش سریع جمعیت و رشد انکشافی می‌باشد. بطور مثال: جمعیت کابل در 40 سال اخیر شش برابر افزایش یافته است.

به علت قلت ضروریات اولیه، امنیت و مواد غذایی، و نیز جنگ های متداوم، بر علاوه مسکن گزینی عودت کنندگان در بین و نواحی ساحت شهری، از طرف روسنایان یک تمايل پیهم شهر نشینی مشاهده می‌شود. در سال 2005، کمشنری عالی ملل متحده برای مهاجرین (UNHCR) در حدود 58.000 همچو مهاجرین را تنها در ساحة کابل ثبت نمود. این کار جمعیت شهر را سریعاً افزایش داده باعث بروز یک سلسله مشکلات، مانند کمبود تسهیلات، آب و انرژی گردیده است. احصائیه جمعیت سال‌های 1986-2006 نشان میدهد که در سراسر کشور مجموعاً ۳۸% جمعیت افزایش یافته است در حالیکه جمعیت شهری و روسنایی بالترتیب ۶۵% و ۳۶% افزایش یافته است. مطابق سازمان مسکن ملل متحد (UN-Habitat) افغانستان یکی از کشورهای منطقه است که سریعترین شهر نشینی در



آلودگی هوا
از: نجیب الله مسافر و گلبین ایوبی

از «محیط زیست کابل در تصاویر»
اولین نمایشگاه عکس از محیط زیست افغانستان، دسمبر 2006



تنظیم محیط زیست شهری، هنوز در مراحل ابتدایی طرفیت سازی قرار دارد. در این رابطه باید به چندین پروژه های جاری توجه شود. در دسمبر 2007، دولت افغانستان اعلام نمود که خانه های مسکونی واقع در تیه های اطراف کابل و پران خواهد شد تا زمینه رشد درختان میسر گردد. این پلان شهر را سرسیز و شاداب خواهد ساخت. تمام جاده ها قیر ریزی خواهند شد تا مشکلات عبور و مرور کاهش یابد و پلانگذاری توسعه شهری تحقق یابد. به شهر وندان قندهار، آب آشامیدنی پاک و برق به شکل بهتر میسر است، و محله مسکونی جدید آن دارای آب و سیستم مجرای فاضلاب خواهد بود.

علاوه بر آن، سطوح آلودگی هوا، خصوصاً در چندین مراکز شهری افغانستان خیلی بلند می باشد. در سال 2005-6، یک مطالعه جامع در مورد کیفیت هوای کابل انجام گردیده بود. این مطالعه، 60% آلودگی را در معرض غلظت بلند ذرات کوچک PM₁₀ (گرد خاک ناشی از فعالیت انسانی)، نایتروس اکساید (NO_x) و سلفر دای اکساید (SO₂) نشان داد.

در مجموع، نظارت کیفیت هوا در افغانستان در مراحل ابتدایی قرار دارد. اخیراً، توجه دولت و مردم را مسائل محیط زیستی شهری، بشمول آلودگی هوا، بخود معطوف نموده است. یک فهرست انتشارات هوا در کابل و یک گزارش در مورد فهرست گاز های گلخانه ای افغانستان، در سال 2007 تهیه گردیده بود. این گزارش ها حاوی تشریح میتوند ها، یک دیتاست/معلومات جامع و سفارش های ابتدایی می باشد.

برنامه های آینده:

- افزایش در استعمال مواد سوخت پاکتر.
- نقویت میتوود ها و ابزار برای کنترول منسجم آلودگی هوا.
- ترویج پلانگذاری ستراتئیکی شهری با ترکیز بالای انرژی، خانه سازی، تنظیم زباله ها، حفظ الصحه و سرسیزی و شادابی.
- ایجاد سیستم های معلومات محیط زیستی و نظارت برای ساحتات عمده شهری.

تذکر این نکته مهم است که هر تلاشی در رابطه با تنظیم محیط زیستی در مجموع و آلودگی هوا در خصوص، به هماهنگی نزدیک و تشریک مساعی بین بیشتر وزارت ها و دست اندکاران کلیدی، نیاز دارد.

در ظرف بیشتر از 30 سال، این اولین بار خواهد بود که مشکلات محیط زیستی شهری معاصر، مانند کیفیت هوا یا تنظیم رibal ها، توجهی را بخود جلب مینماید. این کشور در مورد

آفات طبیعی و تغییر اقلیم

مطابق خدمات تنظیم معلومات افغانستان، «مستوای بلند فقر، کمبود وسایل معیشت و فرصت های تولید عایدات، مشکلات مزمن صحی و وضعیت ناقص/ضعیف زیرینها در کشور، بارهای سنگینی اند که بر مصایب طبیعی مردم افغانستان، اضافه می شوند.» هر سال آفات طبیعی، اقتصاد را متضرر، و اعمار مجدد و انکشاف را مختل می سازند، و انسانها را به کام مرگ می برد. اما بیشتر اضرار را میتوان از طریق تنظیم مؤثر محیط زیستی، حفاظت، و انتباہ قبل از وقت، کاهش داد و یا جلوگیری نمود.

وسایل کلیدی:

حوادث شدید آب و هوایی، تغییر اقلیم، فقر و آسیب پذیری، خطرات مصنوعی، سازواری

للهم، گمان میرود که در مقابل تاثیرات خطرهای آب و هوای و تغییرات اقلیم، از همه بیشتر آسیب پذیر باشند. تغییر اقلیم شاید وضع دشوار افغانستان را بدتر سازد، بناءً در جهت سازواری با این تغییرات و همچنان با خاطر کاهش انتشارات گازهای گلخانه‌ای در کشور، پلانگذاری مقتضی نهایت ضروری می‌باشد. تحت پروژه پلان عمل ملی سازواری برای تغییر اقلیم افغانستان (NAPA)، تصمیم گرفته شد که اولویت برای سازواری با تغییر اقلیم، تنظیم بهتر آب و استفاده مؤثر، و تنظیم زمین و آب در سطح آبریزه، می‌باشد. سایر اولویت‌ها شامل ملاحظات تحولات جوی زراعی، نهال‌شانی و جنگلداری زراعی، تنظیم انطباقی چراگاه‌ها، تراس سازی و کنترول فرسایش، می‌باشد.

برنامه‌های آینده:

- تقویت آگاهی عامه با خاطر کاهش آسیب پذیری.
- برانگیختن انتظام باهمی - مشارکت خصوصی/عام در مورد کاهش خطر
- آغاز برنامه‌های ظرفیت سازی جهت رسیدگی به نیازمندی‌های محلی و ملی پیرامون تنظیم منسجم خطر آفات: ارزیابی خطر، انتباہ قبل از وقوع، آموزش و آگاهی عامه، تنظیم رسیدگی عاجل، منابع جرمان، بشمول تقویت سازمانهای اجتماعی محلی.
- تطبیق پروژه‌های سازگاری تغییر اقلیم.

سرد خسارات بزرگ را به زراعت و زیرینها وارد می‌سازد. این عوامل بار سنگین را بالای تخریب محیط زیست زیاد و بر ایکوسیستم‌ها فشار می‌آورد.

تنظیم غیر هماهنگ منابع آب و سکیم‌های آبیاری در اثنای خشکسالی‌ها، میتواند به مشاجرات بین جوامع و حتی بین دو کشور منجر گردد. خشکسالی و تنظیم ناقص آب زیر زمین، باعث گردیده که سطح آب زیر زمین، بشمول کابل، در سرتاسر کشور پایین برود. باسas گزارش اداره ملی مبارزه با حوادث افغانستان (ANDMA)، در جنوری و فبروری 2008، بعضی مناطق افغانستان شاهد شدید ترین زمستان در طرف 50–55 سال گشته بودند، و بیش از 1.200 نفر تلف گردیدند.

در کشوری که بیش از 80٪ جمعیت آن، برای تأمین نیاز مندی‌های روزمره خویش مستقیماً به منابع طبیعی متکی باشند، تخریب وسیع محیط زیستی، وسایل معیشت را با یک خطر جدی مواجه می‌سازد. جنگ‌های بیشتر از دو دهه، فعالیت‌های نظامی، نقل و مکان‌های مهاجرین، اضمحلال حکومت‌های محلی، ولایتی و ملی، فقدان ظرفیت‌های تنظیمی و نهادی، و استفاده مفرط، بنیاد منابع طبیعی افغانستان را خسارت‌مند ساخته است. مردم فقیر بنا به نداشتن گزینش‌ها، در برابر این چالش‌های محیط‌زیستی، بیشتر آسیب پذیر می‌باشند، و ناچار باید با این شداید بسازند.

فشارهای فقر، اجتماعی و اقتصادی، مانند مهاجرت، عدم کاریابی/اشتغال، و تعاملات اجارة زمین، افغان‌ها را بیشتر آسیب پذیر ساخته، و بنا به فقدان جای دیگر برای سکونت، اکثراً در زمین‌ها و پناه‌گاه‌های غیر مصنوعی یا مساکن کم بها، که در معرض آفات قرار دارند، به سکونت پذیری مجبور می‌سازد. چون این کشور در یک زون فعالیت‌های زلزله‌ای، قرار دارد، وقوع زلزله‌ها معمول می‌باشد. تنها در سال 1998، بیش از 9.000 نفر جان‌های خود را از دست دادند. سرازیر شدن سیلاب‌ها و لغزش زمین در کوه‌ها و دره‌ها، خصوصاً در بهار و تابستان خطرات واقعی می‌باشند، هنگامیکه ذوب شدن برف آغاز می‌گردد و یا جهیل‌های یخچالی ناگهان طغیان می‌کنند و باعث سیلاب‌های نیز تباہ کن می‌گردد. خشکسالی‌های طولانی و طوفان‌های گرد آسود سرتاسر کشور را متاثر ساخته و خسارات سنگین را به بار می‌آورد. خشکسالی‌های شدید در هر سال شاید 10.000 نفر تلفات را بجا بگذارد. زمستان نهایت

انرژی و منابع معدنی

تنظیم منابع غنی زیر زمین افغانستان و ثروت انرژی، استفاده از امکانات توانایی آبی (هایدروپاور) و توسعه تولید و صادرات گاز طبیعی میتواند برای اکشاف صنعتی کشور یک قوه محركه عده باشد. ضمناً، افغانستان اکنون یک فرصت بی نظیر دارد که در تولید پاکتر و حفاظت محیط زیستی، از پیشرفت‌هه ترین طرز العمل ها استفاده نماید تا از اثرات منفی محیط زیستی احتمالی ناشی از اکشاف منابع، جلوگیری نماید.

امکانات انرژی، دورنمای ها برای استفاده از انرژی قابل تجدید، تعادل انرژی و اثرات محیط زیستی، انتشارات گازهای گلخانه‌ای، انباشتن منوالها و از لحاظ محیط زیستی اجراءات سالم در استخراج معادن

مانده‌های زراعتی مرفوع می‌سازد. استعمال سالانه انرژی بایوماس (مواد عضوی) با 2.5 میلیون تن تیل برابر است. بقیه ضروریات، توسط منابع انرژی تجاری، عمدتاً تولیدات پترولی و نیز گاز طبیعی، زغال و برق آبی تأمین می‌گردد.

در ساحت روسایی، محروقات چوبی منبع عده انرژی برای پخت و پز و تسبیح را تشکیل میدهد، و از ده سال بدینسو، به مقدار غیر محدود در دسترس می‌باشد. در سال‌های اخیر، در ساحت شهری رو به وسعت، بازار های تجارت برای آن ایجاد گردیده‌اند. اما تولید مجدد طبیعی، بنا به قطع بی دریغ درخت ها برای سوخت، قادر نشده است تا جنگلات را تقویه نماید و این کار خطرات جدی محیط‌زستی را به میان آورده است. در بیشتر ساحت‌های جلال آباد، لغمان، کابل و هرات کمبود چوب سوخت از قبل شدید بوده است. با آن هم، برای مرکز شهری یک مقدار زیاد انرژی، از ولایاتیکه از لحاظ بایوماس (مواد عضوی) هنوز غنی‌اند، فراهم می‌گردد. همچو یک تقاضا و استهلاک انرژی، محیط‌زیست را در حوالی نزدیک و بعد مرکز سکونت، متاثر می‌سازد. همچنان، انتشارات زیاد ذرات کوچک مواد و سایر آلوده‌کننده‌ها، خطرات صحی را بیار می‌آورد.

گسترش دامنه صحراء (قطع جنگلات) نه تنها داشته‌های هایدرولرژیکی خاک، زهکشی حوزه‌های دریایی و اقیم ساحت کوچک را تغییر میدهد؛ بلکه با گرمایش کره زمین نیز ربط دارد.

موجودی مقدماتی گازهای گلخانه‌ای (GHG) افغانستان نشان میدهد که قطع جنگلات در انتشارات مجموعی گازهای گلخانه‌ای کشور، به مقایسه ترکیبات سوخت فوسلی (بنزین، ذغال و غیره) نقش مهمی را ایفا می‌نماید. در عین زمان، خاک‌ها و

تا با همسایگان کار قابل توجه بیشتر انجام گیرد، که همکاری محیط‌زیستی، و ارزیابی منابع آب و نظارت میتواند نقش مهمی را ایفا نماید. احتمال دیگر در اصل در دو ساخته: در حدود 18.000 میگاوات بالای دریایی کوکچه (حوزه فرعی آمو دریا) و 3.200 میگاوات در حوزه دریایی کابل می‌باشد. ظرفیت مجموعی انرژی کشور که به شبکه‌ها فراهم مینمود در اوایل دهه 1990 به 400 میگاوات می‌رسید (بشمول 260 میگاوات انرژی آبی)؛ که این اکنون به 250 میگاوات تنزیل نموده است. بعد از انرژی آبی، انرژی آفتابی، منحثی یک منبع قابل تجدید، شاید دارای بیشترین ظرفیت باشد، با اینکه مصارف تولید آن یک مانع/مشکل عده می‌باشد. تخمین‌ها نشان داده اند که تشعشعات آفتابی در افغانستان روزانه بطور اوسط 6.6 کیلووات فی ساعت در یک متر مربع، و آسمان 300 روز در سال آفتابی می‌باشد. در نتیجه، امکانات برای تولید انرژی آفتابی زیاد است، بطور خاص به آبگرمی های آفتابی. بطور مثال، یک مودیول (دستگاه) خانگی استاندارد، میتواند از 140 لیتر آب گرم را در 60–70 درجه سینتی گردید در یک روز فراهم نماید. شهر هرات برای بادهای 120 روزه شهرت دارد. در حقیقت روز های بادی در هرات منظم بوده و برای ایجاد/توسعة انرژی بادی امکان بهتر را فراهم می‌نماید. پمپ های بادی در قریه‌های مشخص موقانه نصب گردیده‌اند، که دسترسی به آب در آن‌جا مشکل بود. بایوگیس (گاز بیولوژیکی) بدیل دیگری است که میتوان در چندین ساحة زارعت از آن استفاده شود. بالآخره، از منابع حرارت داخلی زمین در کوه‌های افغانستان، میتوان منحثی مدت تولید انرژی، استفاده نمود.

در حال حاضر اکثریت (70–75%) ضروریات انرژی افغانستان را منابع طبیعی انرژی مانند سرگین، محروقات چوبی و تفاله

تقریباً تمام ذخایر تیل و گاز طبیعی تشخیص شده کشور در بخش شمال می‌باشد که در دو حوزه‌های جیولوژیکی: گاز در حوزه آمو دریا بطرف غرب، و تیل در حوزه افغان-تاجک بطرف شرق موقعیت دارد. ذخایر تیل به 15 میلیون تن تخمین گردیده است. تولید کنونی داخلی تیل تنها 400 بشکه روزانه می‌باشد (بیشتر از ساحت‌های تیل انگوشت در سر پل).

گاز طبیعی دارای ظرفیت (ذخایر ثابت بین 300 الی 400 بیلیون متر مکعب) بوده که منبع مهم انرژی برای کشور و یک منبع عده‌ایادات برای دولت می‌باشد. این منبع با فقدان سرمایه گذاری مواجه می‌باشد. تولید و استهلاک گاز از سال 1990 به اینسو، بنا به زیربنای رو به ویرانی، کاهش یافته است. علاوه‌تا، تقریباً 30% گاز در هنگام تولید و انتقال ضایع می‌گردد.

افغانستان تا حدی دارای ذغال با کیفیت خوب می‌باشد (تخميناً 400 میلیون تن)، که بیشتر آن در بخش شمال کشور در منطقه بین هرات و بدخسان یافت می‌شود.، بنا به خرامی در جنگها و اهمال، صنعت ذغال با حجم کم تولید فعالیت دارد که سالانه کمتر از 100.000 تن می‌باشد. معادن عمده کشور در ولسوالی کرکر و اسپشه می‌باشد. به نظر می‌رسد که دره صوف احتمالاً دارای ذخایر به ظرفیت 84 میلیون تن ذغال باشد.

انرژی آبی، آفتابی، باد و مواد عضوی (بایوماس) در تهیه انرژی، دارای استعداد قابل ملاحظه‌ای می‌باشد. افغانستان میتواند که ظرفیت تولیدی در حدود 2300 میگاوات انرژی آبی اضافی را ایجاد کند، که 18.000 میگاوات آن از دریای پنج و آمو دریا که سرحد با تاجکستان و ازبکستان را تشکیل میدهد، حاصل نماید. استفاده از این امکانات بزرگ، ایجاب خواهد کرد

تولید کنندگان پیشناز سنگ لاجورد در جهان می باشد. زمرد سبز در کوه های دره پنجشیر نیز خیلی با اهمیت است و گفته می شود که این از بهترین سنگ های معیاری جهان می باشد.

در 2007، حکومت افغانستان، حق استخراج/انکشاف بزرگترین ذخایر مس کشور، ساحة عینک، واقع در 30 کیلو متری جنوب کابل را به میتاکرگیکل گروپ ، مربوط حکومت چین، عطا نمود. این ساحه از زمان های قدیم مرکز توجه فعالیت های استخراج مس بوده است. مس عینک دارای ظرفیت 240 میلیون تن است، که مقدار نسبی آن 2.3 % درجه بندی شده که در منطقه و حتی در جهان از بزرگترین مقدار بشمار میرود. این کمپی استخراج معدن، تعهد سپرده است که مطابق ضوابط و پروتیکر های محیط زیستی مندرجہ قانون محیط زیست افغانستان و مقرره های ارزیابی اثرات محیط زیستی، عمل نماید که از طرف اداره ملی حفاظت محیط زیست (NEPA) نظارت خواهد شد.

برنامه های آینده:

- تحلیل مصارف محیط زیستی و پاسخ به تقاضا های کنونی و آینده انرژی و منابع منرا. آغاز پروره های نمایشی و تحقیق در مورد انرژی های قابل تجدید، مواد سوخت عضوی و طرح نهایی برای تعویض به گاز، جستجوی امکانات برق آبی کشور بغرض دسترسی به برق و تأمین فراهمی انرژی.
- توسعه پروره های احیائی جنگل و جنگل سازی مجدد بنمودور استفاده مؤثر و معقول از مواد عضوی (بایو ماس) منحیث منبع انرژی.
- ترویج شامل ساز ختن بهترین طرز العمل های بین المللی مسئولیت های محیط زیستی در عملکرد صنعت های استخراجی، و ایجاد قانون متناسب.
- انکشاف مهارت ها برای کارکنان اداره ملی حفاظت محیط زیست (NEPA) در جهت ارزیابی اثرات محیط زیستی فعالیت های استخراج معدن، جواز دهی، تتفیذ محفوظیت محیط زیستی و اصلاح.

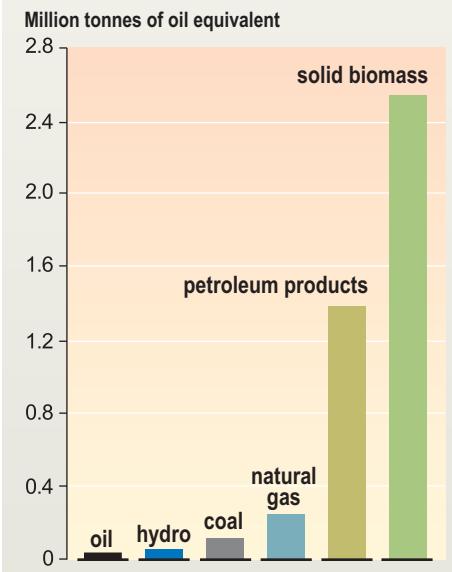
جنگلات باقیمانده، سالانه یک مقدار زیاد کاربن دای اکساید را جذب مینماید که بموجب آن انتشارات گاز های گلخانه ای را جبران مینماید. تعادل کنونی بین انتشارات و ازالات کاربن دای اکساید در استفاده زمین و سکتور جنگلداری آسیب پذیر، مگر مثبت است. بناءً، تلاش های بیشتر باید بخارج داده شود تا این تعادل و سایر اشکال کاهش تغییرات اقلیم حفظ شود.

تقریباً تمام تولیدات نفتی مانند، دیزل، بنزین و تیل طیاره، عمدتاً از پاکستان و ازبکستان وارد میگردد. افغانستان سالانه 1.2 الی 1.4 میلیون تن تولیدات نفتی را استهلاک مینماید؛ ۸۰٪ آن در حمل و نقل (ترانسپورت) زمینی و ۲۰٪ آن (عمدتاً بنزین) در تولید انرژی یا (عمدتاً دیزل) در سنتگاه های کوچک برق و واترپمپ ها. پترولیکه به افغانستان وارد می شود از لحظه موجودیت مقدار سرب با ستاندارد های بین المللی مطابقت ندارد و در بعضی موارد پترول وارد شده با تیل خام محلی مخلوط می شود. در دیزل، مقدار سلفر پنج برابر نورم های اروپایی می باشد. تقاضا برای سوخت مایع در پنج سال اخیر بطور سراسام اوری بالا رفته است؛ با انتکای فزانیده بالای جنراتور های دیزلی، وسایط نقلیه هوایی و زمینی و استفاده خانگی، توقع میرود که این تقاضا افزایش یابد. تولید و احتراق سوخت فوسیلی افغانستان، سالانه از ۳ الی ۵ میلیون تن کاربن دای اکساید را انتشار می دهد.

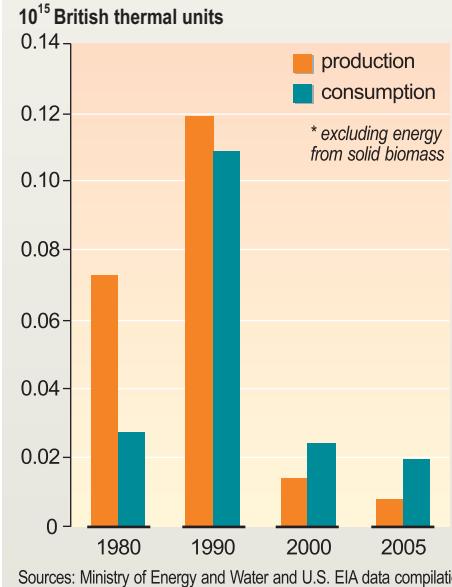
بنا به یک پیشنهاد پیچیده جیولوژیکی، بعضی بخش های افغانستان دارای انواع وسیع فلزات و سنگ های قیمتی و نیمه قیمتی و نیز (مس و سرب) عام، لیتیم نایاب و (طلاء و نقره) قیمت بها می باشد. افغانستان در یک وضعیت بهتر استخراج و صادر نمودن این متابع، قرار دارد. با بهبودی وضع اقتصادی و امنیت، افغانستان در انکشاف معدن خوش، در یک موقف بهتر خواهد بود. مقدار سالانه تولید معدن، به مقایسه تولیدات کنونی 50 میلیون دالر، پنج برابر افزایش خواهد یافت.

برخی از قدیمی ترین معدن ثبت شده در دنیا، معدن افغانستان می باشد که بیش از 6.000 سال قدامت دارد. موقع میرود که ولایات بدخشن و تخار دارای معدن طلا باشند که بالترتیب به مقدار 46.7 گرام نقره و 4.1 گرام طلا در فیتن سنگ معدنی پیشینی شده است. افغانستان همچنان از معدن سرپل و بدخشن، یکی از

Energy production and import



Primary energy



خاتمه

ها و نبود یک سیستم ملی مؤثر ساحات حفاظت شده، در فهرست انواع در معرض خطر، لست گردیده اند.

بنابه شهرسازی فراینده، کیفیت زندگی در مراکز شهری همواره در حال خراب شدن است. عبور و مرور غیر منظم وسایط و انکشاف صنعتی، آلودگی آب و هوا در شهر ها را افزایش میدهد. زباله های شهری، یک نگرانی فراینده دیگر میباشد.

بالآخره، تا حدی بنا به تغییرات رو به خرابی محیط زست جهانی و فشارها مانند تغییر اقلیم و گسترش دامنه صحراء (صحرای گرایی)، آسیب پذیری افغانستان در برابر آفات طبیعی و قلت مواد خوارکی، رو به افزایش است. اگر بطور عاجل رسیدگی صورت نگیرد، تلاش ها برای انکشاف و بازسازی بیشتر را به تأخیر انداخته و در نتیجه تخریب زمین و کمبود منابع، جریان جدید مهاجرین محیط زیستی آغاز خواهد شد.

اداره ملی حفاظت محیط زیست جمهوری اسلامی افغانستان کاملاً معهود است تا با چالش ها مقابله نماید، و از مردم شریف افغانستان و جامعه بین المللی دعوت مینماید تا به این دعوت لبیک گویند. سفر به طرف پایداری آغاز گردیده است.

این گزارش چندین ساله را بشمول منابع آب، چراغه ها و تنوع بیولوژیکی، استفاده از زمین، زراعت و خاک، محیط زیست شهری، آفات طبیعی و تغییر اقلیم، نشاندهی مینماید که مستلزم توجه عاجل، می باشد.

آب یکی از مهمترین منابع افغانستان می باشد، تقسیم غیر مساویانه آن در بعضی مناطق منجر به قلت شدید آب شده، وسایل معیشت را تهدید و مهاجرین محیط زیستی را ایجاد، و وضعیت ناگوار انسانی و تنازعات منطقی را بار خواهد آورد. در صورتیکه اگر استفاده غیر مساویانه آب ادامه پیدا کند، حاصلات زراعتی و امنیت غذایی و نیز ایکولوژی تالاب ها و تنوع بیولوژیکی را تهدید خواهد کرد.

قطع جنگلات متداوم همراه با چرشن موashi و قلت آب، منجر به فرسایش بیشتر خاک و از بین رفتن زمین های حاصلخیز، گسترش دامنه صحراء، تنزل در حاصلدهی و خدمات ایکوسیستم خواهد گردید. ازین رفتن دوامدار نباتات و پوشش سبز، تنظیم نا درست خاک منجر به سرازیر شدن سیلاب ها، لغزش زمین، و بدتر شدن آب زیر زمین و جریان تند آب در اثنای موسم باران خواهد شد. افغانستان در حال از دست دادن تنوع بیولوژیکی خویش است، خیلی از نباتات و حیوانات، بنا به ویرانی زیستگاه

افغانستان با منابع سرشار طبیعی آن، از شامل سازی محافظت محیط زیستی در اجنبای باز سازی و بودجه ملی، خیلی منفعت خواهد برد. این کار کشور را در رفع نیازمندی های اولیه انکشاف پایدار کمک خواهد کرد. اگر به مشکلات محیط زیستی کنونی افغانستان به درستی رسیدگی نشود، بالای مردم و اقتصاد آن تأثیرات قابل توجه خواهد گذاشت. در افغانستان، مانند سایر کشور های رو به انکشاف، تخریب محیط زستی و انکشاف پایدار با وسایل معیشت، فقر زدایی و صحت انسانی، رابطه لاینفک دارند. بعارت دیگر، حفاظت و استفاده پایدار منابع طبیعی، برای مردم افغانستان، در کیفیت زندگی شان نقش کلیدی دارد، و در بیشتر موارد، مسئله مرگ و زندگی می باشد.

تنظیم محیط زیستی در افغانستان در پنج سال گذشته، مسافت زیادی را طی نموده است. با تشکیل اداره ملی حفاظت محیط زیست (NEPA) و نشر اولین قانون محیط زیست در سال 2005، این کشور به طرف انکشاف پایدار و شامل سازی مسایل محیط زیستی در سرتاسری های انکشافی، دو قدم مهم را برداشت. اما درجهت تأمین یک محیط زیست سالم و پربار برای مردم و نسل های آینده افغانستان، به تلاش های بیشتر نیاز است.



آب صاف یا گنده
از ولی کھسار

از «محیط زیست کابل در تصاویر»
اولین نمایشگاه عکس از محیط زیست افغانستان، دسمبر 2006





Photo by Wakil Kohsar



Photo by Viktor Novikov